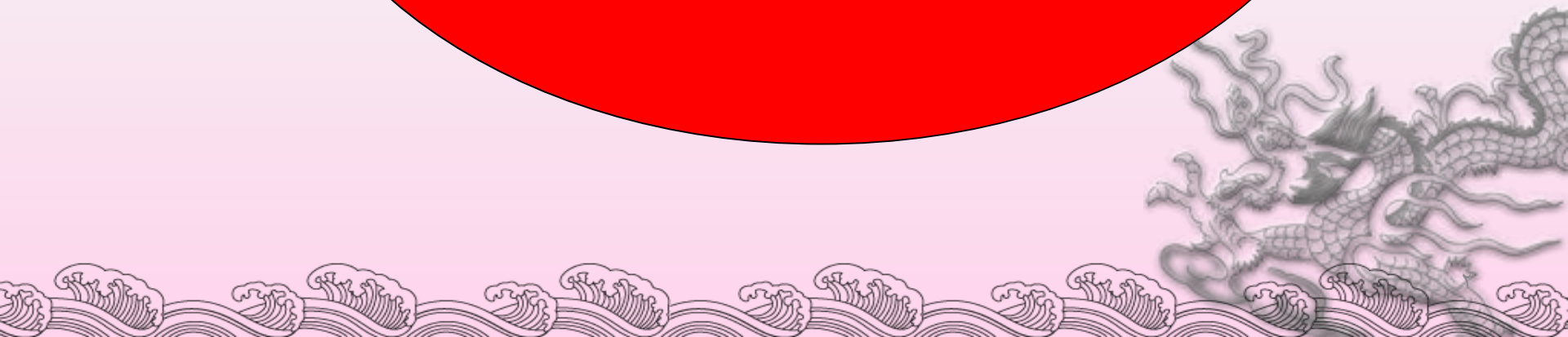




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندیشه اسلامی ۲

استاد: محسن عمیق

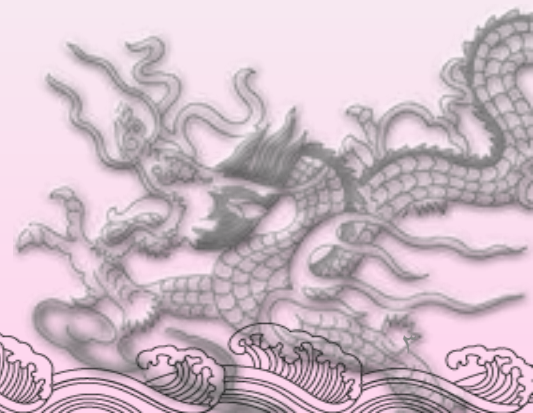


اهداف کلی و پاسخ برای سوالات:

✓ چرا دین؟

✓ چرا اسلام؟

✓ چرا تشیع؟



آشنایی دانشجو با:
فلسفه دین
قلمرو دین
تعدد ادیان
رابطه علم و دین و عقل
ویژگیهای دین الهی
دین حنیف
وحی
اعجاز قرآن
عصمت
خاتمیت اسلام
امامت و رهبری
مرجعیت و ولایت در عصر غیبت



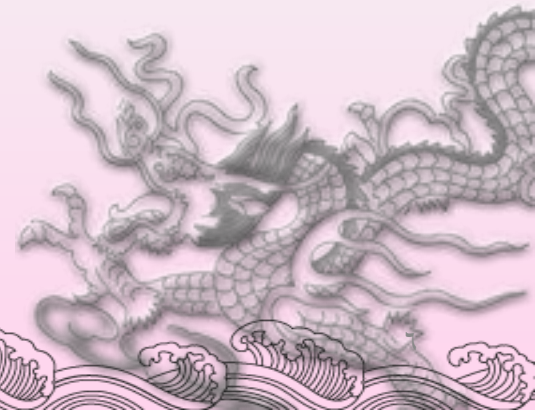
بخش یکم

فلسفه دین

تعریف دین

♦ دین در لغت :

♦ فرمانبرداری، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا است



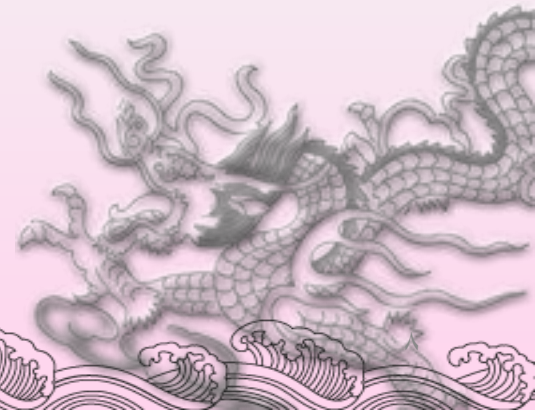
❖ تعریف دین اصطلاحاً:

- ❖ مجموعه عقاید و قوانین و مقرراتی است که خداوند از طریق پیامبران برای هدایت و سعادت انسان ها نازل فرموده و دارای ابعاد مختلفی نظیر:
- ❖ ابعاد شناختی و آموزه ای ، اخلاقی، فردی، اجتماعی، عبادی، حکومتی، اقتصادی، حقوقی، جزایی، احساسی، روانی و آرمانی است.
- ❖ اعتقاد و عمل به دین موجب سعادت دنیا و آخرت انسان است



کارکردهای دین

- ◇ کارکردهای مثبت دین در سه حوزه قابل بررسی است:
- ◇ ۱. حوزه معرفت و دانایی؛
- ◇ ۲. حوزه اجتماعی و مناسبات انسانی؛
- ◇ ۳. حوزه روانشناسی.



اثرات روانشناسانه دین

- ۱- معنابخشی به زندگی
- ۲- سلامت و بهداشت معنوی و آرامش روان
- ۳- سازگاری جهان درون و بیرون و کاهش رنجها
- ۴- هدف بخشی و ایده آل پروری
- ۵- پاسخ به احساس تنهایی
- ۶- تقویت قدرت کنترل غرائز



خلاصه کلام:

◇ - دین **معنا بخش** زندگی است . هر گونه که زندگی را معنا کنیم دین ما شکل می گیرد.

◇ کار کرد اصلی دین را در دو نیاز و سوال اصلی بشر می توان خلاصه کرد :

◇ ۱- **حقیقت**

◇ ۲- **نجات**

◇ همه تلاشهای بشر برای یافتن حقیقت تمام مسائل زندگی است و با یافتن حقیقت به دنبال نجات و یافتن راه سعادت و کمال و برداشتن تمام موانعی است که سد راه او شده اند.

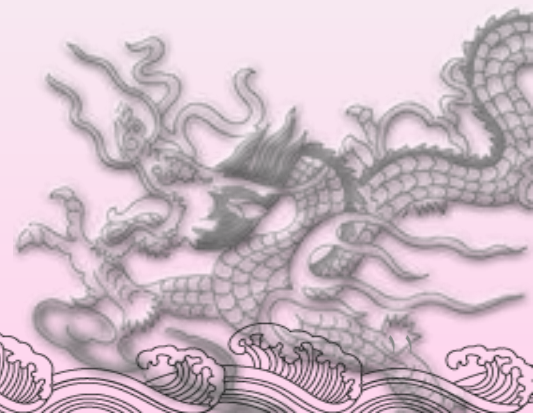


علل دین زدایی و دین ستیزی

۱- ماتریالیستی (گرایش مادی گرایی) ❖

۲- سکولاریستی (گرایش جدایی دین از: دنیا، دولت، سیاست، فرهنگ....): دنیا مداری، دنیا محوری، دین گریزی ❖

۳- لیبرالیستی (گرایش آزادیخواهی و آزاد منشی) ❖



نقد ماتریالیسم

♦ در نقد ماتریالیسم همین بس که آنها نمی توانند جز جهان پیرامون خود چیز دیگری حس کنند و ببینند. لذا فقط می توانند بگویند ما نمی بینیم اما هیچ وقت نمی توانند در ماورای ماده نفیاً یا اثباتاً به اظهار نظر پردازند.

این نکته مهمی است!!!

ندیدن دلیل بر نبودن نیست.

زیرا ما خیلی چیزها را نمی بینیم اما حضورشان را تصدیق می کنیم.



مبانی سکولاریسم

۱- علم گرایی (Scientism):

اعتقاد به لزوم محوریت علوم تجربی و روش تجربی در همه شئون زندگی .
متفکر سکولار اعتقاد دارد که بر اساس علم تجربی می توان به تدبیر جامعه پرداخت.

۲- خرد گرایی (Rationalism):

براین باور است که همه رفتارها و عقاید باید مبتنی بر عقل باشد نه احساسات یا عقاید دینی.



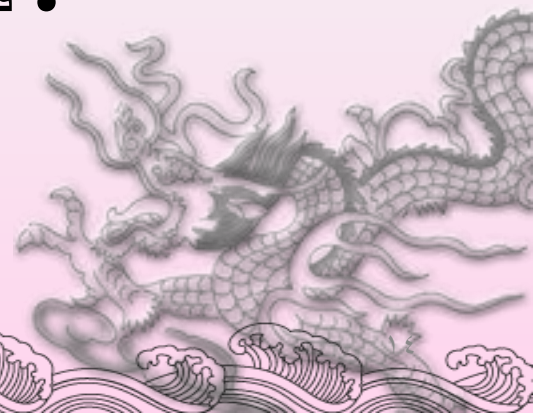
۱- متون مقدس و آموزه های دینی مسیحیت

- جدایی دین از سیاست (حضرت عیسی کاری به حکومت نداشت)
- نبود قوانین اجتماعی و حکومتی در کتاب مقدس
- عدم هماهنگی بسیاری از آموزه های مسیحیت با عقل مثل تثلیث ، گناه ذاتی انسان ، الوهیت و تجسد عیسی مسیح

۲- رفتار و برخورد نادرست متولیان دین مسیحیت

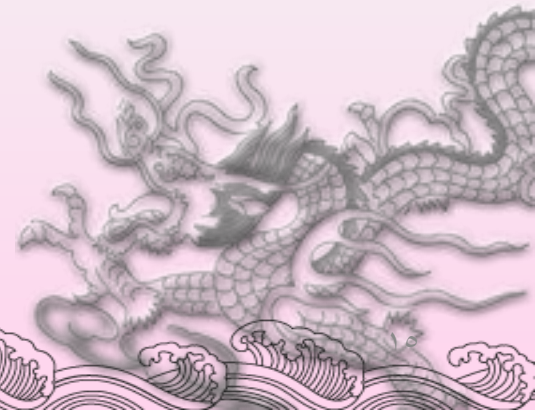
- برخورد خشن با دانشمندان
- فساد اخلاقی

عوامل
پیدایش
سکولاریسم
در غرب



مبانی لیبرالیسم:

- ◇ فردگرایی
- ◇ آزادی
- ◇ عقل گرایی
- ◇ عدالت و برابری حقوق انسانها
- ◇ تساهل



عقل

دين

علم



رابطه علم و دین

دستاوردهای عقل بشری پاسخگوی نیازها و انتظارات انسان نیست و از تامین سعادت راستین او ناتوان است بنابراین چاره ای جز یاری خواهی و بهره گیری از وحی و تعالیم آسمانی نیست.

خداوند با علم به این نیاز، همه انسانها را با فرستادن پیامبران، به زندگی معقول و پاک رهنمون نموده است



الف) نظریه تعارض علم و دین:

دو تحول مهم در قرن ۱۷ و ۱۹ میلادی در کیهان شناسی و زیست شناسی میان متکلمان مسیحی و صاحب نظران در گرفت: تحول اول: دفاع شجاعانه گالیله از نظریه خورشید مرکزی کپرنیک و تلاش او برای بسط این نظریه به عنوان یک واقعیت بود.

تحول دوم: بحث درباره خلقت و تکامل در سال ۱۸۵۹م. که میان عالمان کلیسا و دانشمندان در گرفت

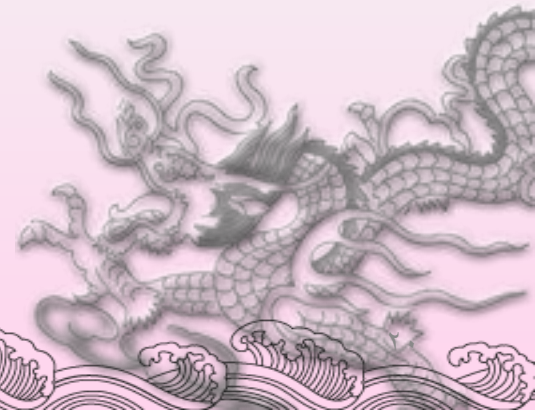


علل و عوامل تاریخی طرح نظریه تعارض میان علم و دین:

- ۱- به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، اساساً بسیاری از این تعارض‌ها و رویارویی‌ها میان علم و دین نبوده است، بلکه جنگ میان ساینتیسم و الاهیات قرون وسطایی بوده که در ظاهر به جنگ میان **علم و دین** شهرت یافته است.
- ۲- با آن هویت راستینی که علم دارد، نمی‌توان بشریت را در پوشش هویت کاذبی که گروه‌های یادشده از علم می‌سازند، فریب داد و این واقعیت را نادیده گرفت که بسیاری از متفکران بزرگ قرن‌ها، **مردان مذهبی** بوده‌اند.
- ۳- این بحث بیشتر در جهان مسیحی و غرب مجال رشد داشته اما در جهان اسلام به دلیل عدم تحریف قرآن و گواهی تاریخ علوم در بستر تمدن اسلامی کمتر مجال برای طرح این بحث بوده است. و اساساً یکی از کارهای مهم انبیا و اولیای الهی آموزش و ترویج **حقایق عالم** بوده است.

ب) نظریه تمایز علم و دین:

مدافعان این نظریه تمایز استقلال کامل علم و دین به این اعتقاد دارند که روش علمی تنها روش ممکن در شناخت واقع نیست. تعمیم ناروای مفاهیم علمی و تبدیل کردن یک شیوه به اصلی کلی، نظیر این قاعده که روش های تجربی و حسی تنها روش قابل اعتماد در فهم و تبیین واقعیت است، نارواست.



نتایج مشابه در نظریه تمایز علم و دین

۱- استقلال زبان: برخی معتقدند که علم و دین تمایز موجود در زبان هریک، منطق و عملکردهای خاص خویش را دارند.

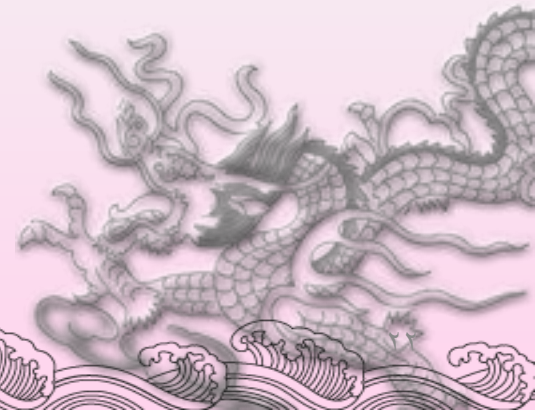
۲- تمایز در روش و موضوع: برخی معتقدند که علم و دین می بایست کاملاً جدا و مستقل از یکدیگر باشند.



نقد نظریه تمایز علم و دین

اشکال این دیدگاه نادیده گرفتن بخشی از زبان دین است که حقایق طبیعی را بیان می کند. علم و دین به رغم تعلقات گوناگون شان، به یک جهان طبیعت می نگرند.
بقره آیه ۸۵:

((چرا به برخی احکام ایمان آورده اید و به بعضی کافر می شوید، پس جزای چنین مردم بد کردار چیست؟...))



ج) نظریه تعامل علم و دین:

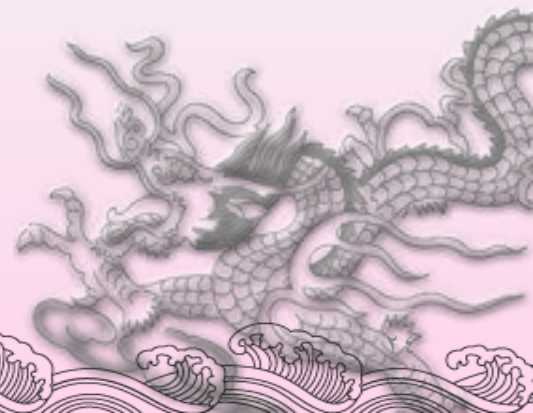
طرفدارن این گروه را به دو دسته تقسیم می کنند: کسانی که در ناحیه روش و پیش فرض ها، از حمایت غیر مستقیم علم و دین از یکدیگر سخن گفته اند و گروه دیگر درباره آموزه و دستاوردها و نظریات است و علم و دین را در محتوا، مکمل یکدیگر می دانند.

استاد شهید مرتضی مطهری و دونالد مکی از طرفداران این نظریه هستند



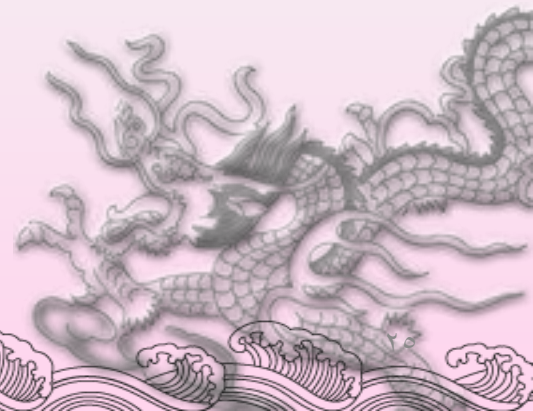
برای حل تعارض های ظاهری و احتمالی میان برخی از داده های علم و دین می توان روش دیگری پیشنهاد کرد:

- ۱- مفاد گزاره های دینی و علمی، ظنی و غیر یقینی باشد.
- ۲- مفاد این گزاره ها هر دو یقینی باشند.
- ۳- گزاره های علمی، یقینی و گزاره های دینی، ظن آور باشند.
- ۴- گزاره های دینی، یقینی و گزاره های علمی، ظن آور باشند.



فلسفه علم:

- ◆ تقویت عقل
- ◆ پیشرفت < رفاه و آسایش < مصرف < ثروت
- ◆ توسعه پایدار (اقتصاد- فرهنگ - سیاست)
- ◆ کشف حقایق عالم
- ◆ خدمت به بشریت

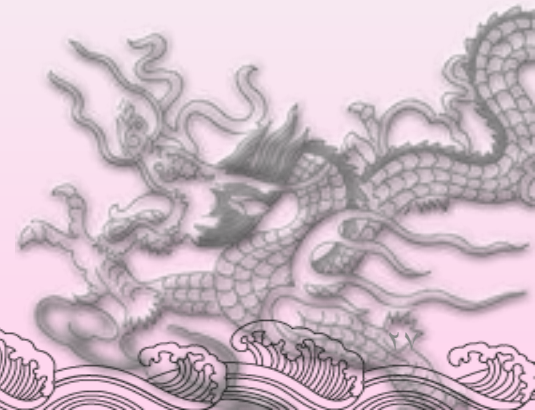


محدودیت‌های علم تجربی

- ◇ حوزه فعالیت علوم تجربی محدود به عالم مادی و آزمایش و تجربه است و در بیرون از این حوزه یعنی عالم ماورای طبیعی نمی‌تواند **نفیاً** یا **اثباتاً** به اظهار نظر پردازد.
- ◇ یافته‌ها و نتایج علمی از **قطعیت لازم** برخوردار نیست چه آنکه پیوسته فرضیه‌ای به جای فرضیه پیشین می‌نشیند.
- ◇ اعتقاد به خدا و عالم آخرت، در ساماندهی زندگی انسان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد اما لازمه علم‌گرایی و مادی‌گرایی نادیده گرفتن چنین اعتقاداتی و در واقع نادیده انگاشتن بخش مهمی از **نیازهای اساسی انسان** است.

محدویتهای عقل:

- ♦ احکام عقل، کلی و اجمالی است.
- ♦ عقل در تشخیص آثار اخروی رفتارهای انسانی ناتوان است.
- ♦ عقل در مرحله تشخیص و عمل آسیب پذیر است.



محدودیت عقل بشری و ضرورت دین

انسان با عقل خویش می تواند بسیاری از معارف نظری نظیر مسائل مربوط به جهان بینی خویش را اثبات کند. همچنین برخی اصول اخلاقی نظیر خوبی عدل و بدی ظلم تشخیص دهد ولی با این حال عقل بشر دارای محدودیت های فراوانی است.

بنابراین حس و عقل و دانش انسانی به تنهایی نمی تواند راه سعادت همه جانبه را بازشناسد از اینرو نیازمند شناخت معصومانه دیگری هستیم که راه صحیح را به ما بنمایاند



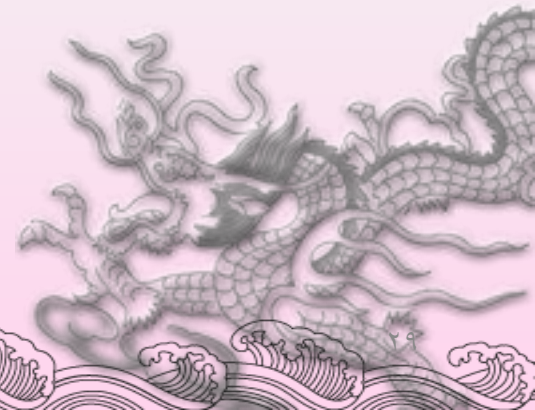
جمع بندی کلی در رابطه دین ، عقل ، علم

◆ انسان در طول تاریخ به سه چیز تقدس قایل بوده و برای رسیدن به حقیقت از آنها بهره جسته است:

◆ دین ----- بیان حقیقت

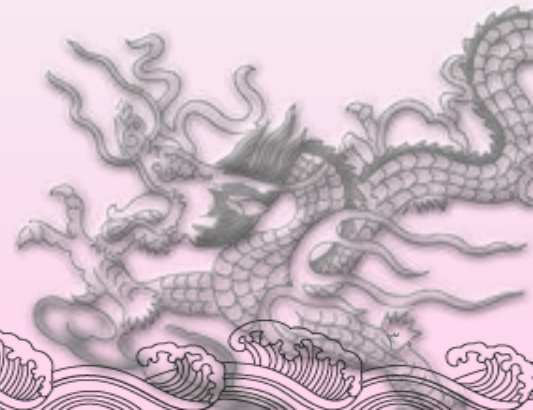
◆ عقل ----- تشخیص حق و تصدیق حق

◆ علم ----- کشف حقیقت



دین حنیف

- ♦ دین حق
- ♦ دین پایدار
- ♦ دین راستین



♦ **فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ**

♦ پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است آفرینش خدای تغییرپذیر نیست این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی دانند (روم/۳۰)

♦ **فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدِّعُونَ**

♦ پس به سوی این دین پایدار روی بیاور پیش از آنکه روزی از جانب خدا فرا رسد که برگشت ناپذیر باشد و در آن روز [مردم] دسته دسته می شوند (روم/۴۳)



فطری بودن دین

- فطری بودن دین یعنی مطابق بودن محتوای دین با ساختار وجودی انسان
- توحید و معاد به عنوان عناصر اصلی دین اقتضای وجود آدمی است. زیرا معرفت و گرایش به خدا در نهاد آدمی سرشته شده است و میل به جاودانه زیستن و میل به راحتی مطلق جز فطریات انسان است
- کلیه تعالیم و دستوره‌های دینی در جهت پاسخ دهی به این نیازهای فطری انسان می باشد

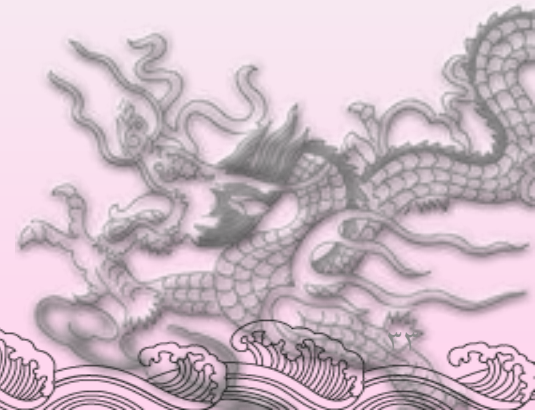
ویژگیهای دین حنیف

♦ سه شاخص مهم در حقانیت دین :

♦ ۱- وحی

♦ ۲- اعجاز

♦ ۳- عصمت





وحی

معنای لغوی وحی

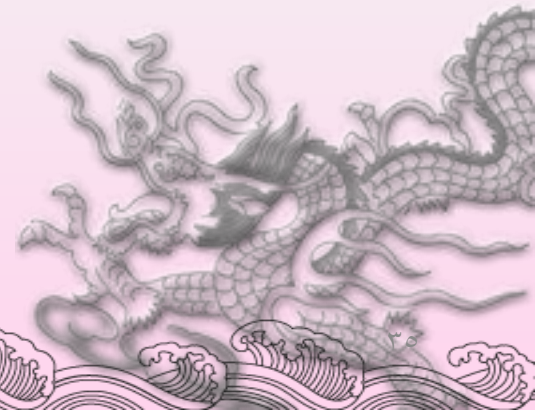
واژه وحی و مشتقات آن در لغت دارای معانی مختلف و کاربردهای گوناگون آن: نظیر: اشاره، سرعت، تفهیم و القای پنهانی مطلبی به دیگران، اعلام در خفا، نوشتن

تعریف لغت شناسان: جامع تمام معانی و کاربردهای ویژه وحی ((تفهیم و القای سریع و نهانی)) است که متوجه خاص مخاطب بوده و بر دیگران پوشیده است.



دریافت پیام الهی که از آن به عنوان وحی تعبیر می گردد یکی از وظایف اساسی پیامبران است.

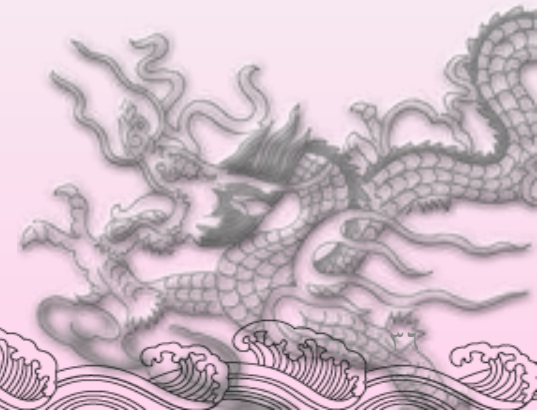
حقیقت وحی دست یافتنی نیست زیرا پدیده وحی یک پدیده طبیعی قابل شناخت با ابزار متعارف عمومی و علمی نیست.



وحي در قرآن

معاني وحي در قرآن:

- ۱- اشاره پنهانی
- ۲- هدایت غریزی
- ۳- الهام و القاءات قلبی
- ۴- وحی تشریحی



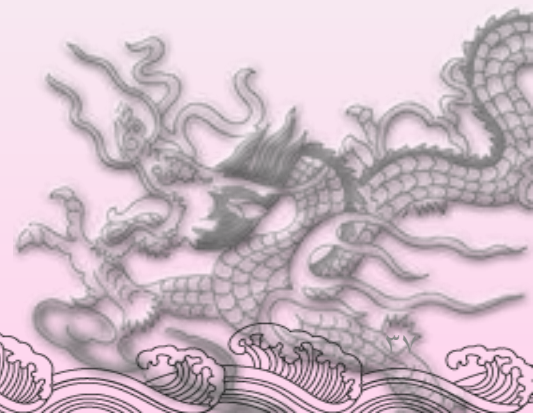
طبق آیات قرآن راههای ارتباط پیامبران با خدا منحصر در
(وحي نبوي) به سه راه بوده است:

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ
يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآذُنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (شوری/ ۵۱)

۱- وحی مستقیم

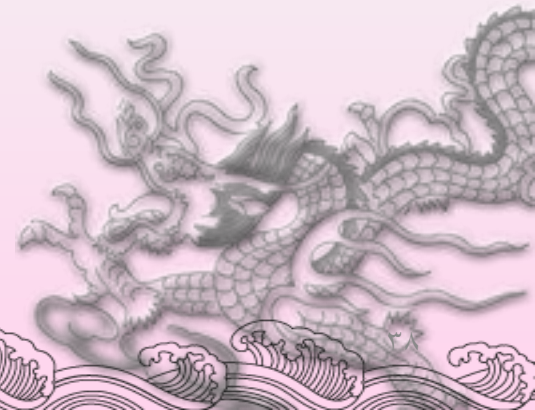
۲- ایجاد صوت از پشت حجاب

۳- القای وحی به وسیله فرشته



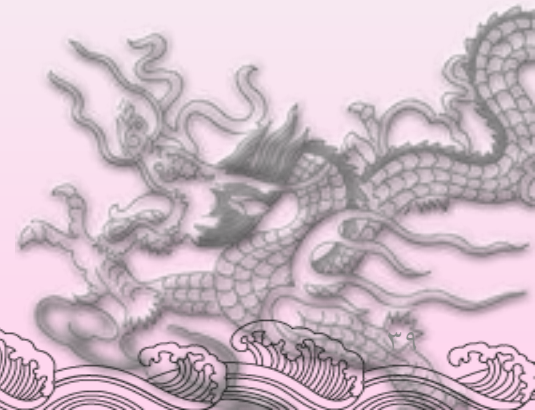
تعریف وحی در مباحث اعتقادی و کلامی:

عبارت است از تفهیم یک سلسله حقایق و معارف از سوی خداوند به انسانهای برگزیده برای هدایت مردم، از راه دیگری غیر از راههای عمومی و شناخته شده معرفت همچون حس، تجربه و عقل و حدس و شهود عرفانی.



تفاوت وحی با نبوغ :

وحی آموزه ویژه ای است که از ناحیه خداوند سبحان به برخی انسانهای برگزیده اضافه می شود ولی نبوغ، قدرت شدید ذهنی است که برخی افراد را بدون نیاز به طی مراحل علمی لازم و معمول، به درک حقایق توفیق می دهد.



تفاوت وحی با تجربه های عرفانی:

انسان اگر مدتی نفس را ریاضت دهد، حقایقی در عمق جان خود می یابد ولی این حقایق را از کسی دریافت نمی کند، بر خلاف وحی، پیامبر تنها گیرنده پیام است و خود مخاطبی است که کسی برای او سخن میگوید.

تجربه های عرفانی از یک سو نیازمند معیارند و از سوی دیگر اختلافات در بین شهودهای عارفان بسیار است اما وحی انبیای الهی خود معیار حقیقت است و انبیای الهی هیچ گاه در مورد وحی به خطا نمی روند و در مسائل اساسی اختلافی ندارند



معجزه انبیاء

◆ واژه **معجزه** برگرفته از واژه عجز به معنای ضعف و ناتوانی است

◆ در اصطلاح به عمل خارق العاده ای معجزه گفته می شود که پیامبران الهی برای اثبات ادعای نبوت خویش انجام می دهند به گونه ای که مردم را به آوردن مثل یا مقابله با آن دعوت می کنند و از این سو مردم از انجام آن عاجز و ناتوان اند. بنابراین در معجزه سه نکته اصلی است :

◆ ۱- امری خارق العاده است که مطابق قوانین عادی طبیعی نیست

◆ ۲- همراه با ادعای نبوت و مطابق خواسته نبی باشد

◆ ۳- همراه با دعوت به مقابله و تحدی باشد

برخی از معجزات پیامبران که در قرآن و روایات آمده است به قرار زیر است:

- ✓ **حضرت صالح:** بیرون آوردن ناقه از شکم کوه.
- ✓ **حضرت ابراهیم:** سرد شدن آتش بر او - زنده کردن مرغ های چهارگانه به اذن خداوند متعال.
- ✓ **حضرت یوسف:** شفای چشمان یعقوب نبی علیه السلام با پیراهن یوسف.
- ✓ **حضرت موسی:** تبدیل عصا به اژدها - ید بیضا - نزول عذابهای متعدد جهت تنبه قوم فرعون - شکافتن دریا - جوشیدن دوازده چشمه برای بنی اسرائیل - زنده شدن مقتول بنی اسرائیل - ابرهای سایبان - نزول منّ و سلوی - قرار گرفتن کوه طور بالای سر بنی اسرائیل. حضرت داود: تسخیر باد - دانستن زبان پرندگان - نرم بودن آهن در دست او - صنعت لباس جنگ.
- ✓ **حضرت سلیمان:** تسخیر باد - دانستن زبان پرندگان و حیوانات دیگر - تسلط بر جنیان و شیاطین - سخن گفتن با مورچه - چشمه مس
- ✓ **حضرت عیسی بن مریم:** نحوه ولادت - تکلم در گهواره - جان دادن به مجسمه پرنده - شفای کور مادرزاد و پیس - زنده کردن مردگان - اخبار از غیب - نزول غذای آسمانی
- ✓ **حضرت محمد:** قرآن - شق القمر - رد الشمس - جاری شدن آب از بین انگشتان پیامبر(ص) - بارش شدید باران به دعای پیامبر(ص) - تسبیح گفتن دانه های سنگ در دستان پیامبر(ص) و ...



عصمت انبیاء

❖ **عصمت** در لغت به معنای منع کردن و بازداشتن و نگهداری و مصونیت است.

❖ در اصطلاح مصونیتی خاص یا ملکه ای نفسانی است که پیامبران را از ارتکاب گناه و خطا و اشتباه باز می دارد و یکی از شرایط نبوت است.

❖ عصمت در سه قلمرو قابل بررسی است:

❖ ۱- **عصمت در مقام دریافت، حفظ و ابلاغ وحی**

❖ ۲- **عصمت از معصیت و گناه**

❖ ۳- **عصمت از خطا و اشتباه در امور فردی و اجتماعی**

۱- عصمت انبیاء در مقام دریافت ، حفظ و ابلاغ وحی

◇ **دلیل عقلی:** چون خداوند حکیم و عالم و قادر مطلق است، می باید وحی بی هیچ خطایی توسط پیامبران به دست مردم برسد تا به کمال واقعی خود نایل گردند.

◇ **دلیل نقلی:** مراقبت از پیامبر توسط خود خداوند و فرشتگان

◇ **عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَيَّ غَيْبَهُ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتٍ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا** (جن/۲۸-)

(۲۶)

◇ دانای نهران است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند جز پیامبری را که از او خشنود باشد که [در این صورت] برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت تا معلوم بدارد که پیامهای پروردگار خود را رسانیده اند و [خدا] بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر چیزی را به عدد شماره کرده است

۲- عصمت از معصیت و گناه

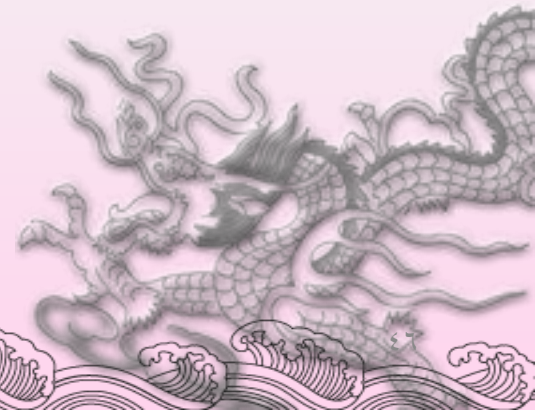
- ◇ **دلیل عقلی:** تعالیم الهی در دو شکل گفتاری و کرداری صورت می پذیرد یعنی همانگونه که گفتار پیامبران می تواند راه صحیح سعادت را به مردم نشان دهد اعمال آنها نیز به گونه ای شدیدتر چنین است.
- ◇ نقش تربیتی پیامبران مستلزم آن است که آنان از هر گونه گناه و آلودگی پیراسته باشند تا به نیکی بتوانند اعتماد مردم را جلب کرده و وظیفه خود را به انجام برسانند.
- ◇ به جهت عدم خدشه دار شدن شخصیت آنان توسط منکران و عدم مواجهه با مشکلات در امر رسالت اقتضا می کند که پیامبران از آغاز زندگی خود معصوم از گناه باشند

دلیل نقلی:

◆ در قرآن کریم انبیای الهی کسانی معرفی شده اند که خداوند آنها را خالص گردانیده و از این رو شیطان هیچ تصرفی بر آنها ندارد.

◆ **إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ (ص/۴۶-۴۷)**

◆ ما آنان را با موهبت ویژه ای که یادآوری آن سرای بود خالص گردانیدیم و آنان در پیشگاه ما از برگزیدگان نیکانند.



۳- مصون از خطا و اشتباه

و نیز خداوند در آیه مبارکه ۲۱ سوره احزاب می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛

مسئلاً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود.

خداوند در این آیه صراحت دارد که پیامبر برای تمام مردم اسوه است. اسوه بودن پیامبر در صورتی ثابت می‌شود که پیغمبر خطا و اشتباه نکند. اگر پیامبر از روی نسیان، غفلت، فراموشی، جهل یا مخالفت امر الهی، یک مطلب خلاف امر الهی را انجام بدهد، باعث می‌شود پیامبری که باید اسوه و الگو برای هدایت باشد، تبدیل می‌شود به اسوه و الگو در مسیر ضلالت.



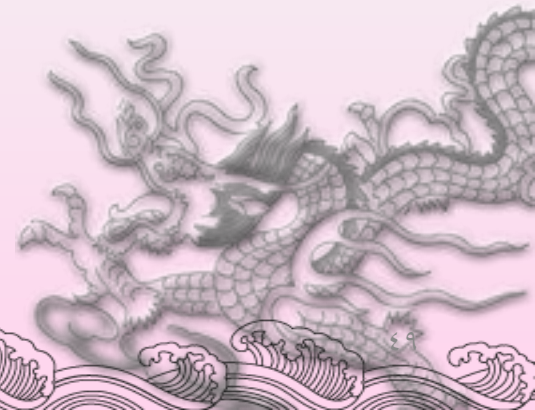
اهداف بعثت انبیاء

- ۱- یادآوری فطریات
- ۲- آزاد کردن انسان از قید و بندهای نادرست
- ۳- دعوت به توحید
- ۴- برپایی قسط و عدالت در جامعه بشری
- ۵- آشنا کردن مردم با حکمت تعالیم الهی و تزکیه و تطهیر آنان
- ۶- بشارت و انداز
- ۷- علاج امراض روحی
- ۸- به کمال رساندن فضایل اخلاقی

تصریح قرآن کریم بر نیاز بشر به تعالیم انبیای الهی

❖ كَانِ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ
وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ
النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ (بقره/۲۱۳)

❖ مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند



فلسفه بعثت انبیاء در کلام امام رضا علیه السلام

از آنجا که قوای فکری بشر قادر به درک سود و زیان نیست و خداوند نیز برتر از آن است که خود بر انسان تجلی نماید و با آنان سخن بگوید ، ناگزیر رسول خدا بین او و مردم واسطه می شود تا امر و نهی و آداب او را به آنان انتقال دهد و آنان را به سود و زیان خود آگاه سازد؛ زیرا در خلقت آنان چیزی وجود نداشت تا به وسیله آن بتوانند نیازهای خود را

بشناسند. (بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۴۰)



تعدد ادیان



برای حل
مسأله تعدد
ادیان سه
دیدگاه وجود
دارد:

۱- انحصار گرایی

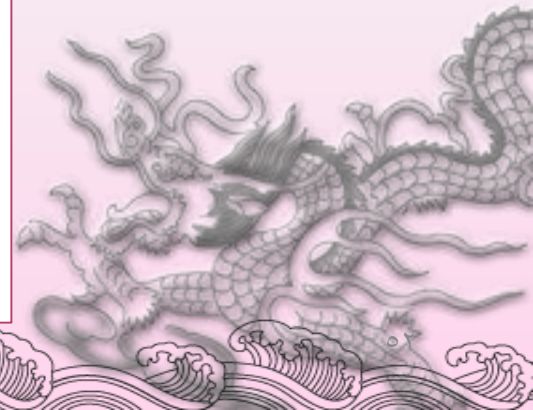
(یک دین حق داریم و تنها یک دین نجات بخش است)

۲- شمول گرایی

(یک دین حق وجود دارد و بقیه ادیان حظی از حقانیت دارند و به همان اندازه نجات بخش اند.)

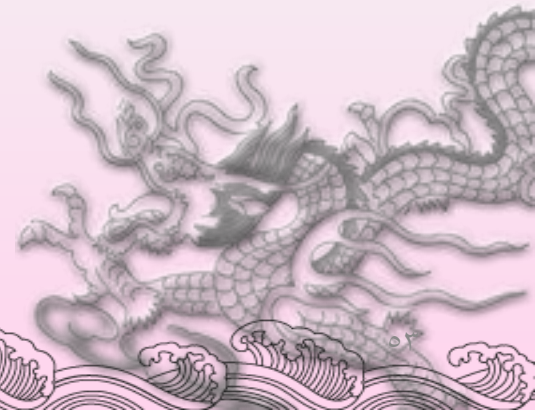
۳- تکثر گرایی (پلورالیزم)

(یک دین حق مطلق وجود ندارد هر کدام از ادیان از حقانیتی برخوردار بوده و نجات بخش اند.)



موضوع بحث ما ادیانی است که به لحاظ تاریخی الهی یا
و حیانی بودن آنها مورد قبول پیروان و نیز مورخان ادیان و
مذاهب است.

از نظر قرآن، ادیان و حیانی با همه جلوه های تاریخی شان
دارای ماهیت واحدند. نام عمومی این ادیان که در واقع،
بیانگر روح تعالیم همه پیامبران آسمانی است «**اسلام**»
است.



دین در نگاه قرآن فقط اسلام است
یعنی تسلیم در برابر خدا بودن، از
این رو هرکس جز دین اسلام دین
دیگری را طلب کند و پیرو آن
گردد هرگز از او پذیرفته نیست

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ



❖ در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که در این بحث باید میان حقانیت و نجات، فرق گذاشت؛ البته طبیعی است که همه ادیان خود را حق دانسته و معتقدند که مسیر درستی را می‌پیمایند؛ اما برخی ادیان، دامنه رستگاری و نجات را گسترش داده و آن را در مورد برخی پیروان ادیان دیگر نیز گسترش می‌دهند.

❖ در میان پیروان مسیحیت، اعتقاد بر این بود که تنها در مسیحیت و با اعتقاد به مسیح می‌توان رستگار شد و در غیر این راه، نجاتی امکان‌پذیر نیست. آنها در حالی که قرن‌ها قدرت را در اختیار داشتند، بر این اعتقاد بودند، تا این که در قرون جدید به‌ویژه بعد از شورای واتیکانی دوم کمی به این سمت گرایش پیدا کرده‌اند که افراد غیر مسیحی نیز امکان نجات دارند که البته آن نیز به جهت رسیدن فیض عیسی مسیح بدان‌ها می‌باشد



مراتب دین

- لکل جعلنا منکم شرعاً و منهاجا (مائده/۴۸)
- شریعت ها و مذاهب ، در طول تاریخ دارای حقیقت واحدی هستند که همان اسلام (تسلیم بودن در برابر خدا) است اختلاف آنها نیز بر حسب درجات کمال است که استعدادهای امت های گذشته و آینده ریشه دارد
- همه این شریعت ها و روش ها راه هایی برای رسیدن به اصول و اهداف کلی هستند که فراخور استعدادهای امت ها و مقام انبیاء شکل گرفته است
- این روش ها مکمل هم اند نه ناسازگار باهم
- اولین شریعت متعلق به حضرت نوح است

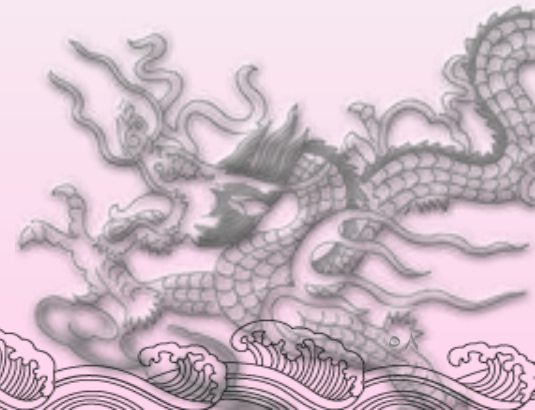


تفاوت شرایع آسمانی، یا در سلسله مسائل جزئی و فرعی است که بر حسب مقتضیات زمان و ویژگیهای محیط، و ویژگیهای مردمی که به دین دعوت می شده اند، متفاوت است یا در سطح و مرتبه است و پیامبران بعدی به موازات تکامل بشر در سطح بالاتری، تعلیمات خویش را القا کرده اند.



وظیفه مسلمان درباره ادیان آسمانی

حقانیت پیامبران و کتابها و شرایع آسمانی پیشین، جزء تعالیم انکارناپذیر قرآن کریم است. بر این اساس هر مسلمان معتقدی، به صحف ابراهیم و شریعت نوح و موسی و عیسی نیز ایمان دارد. به همین دلیل برای پیروان قرآن، ضرورتی ندارد درباره حقانیت این ادیان مطالعه کنند.



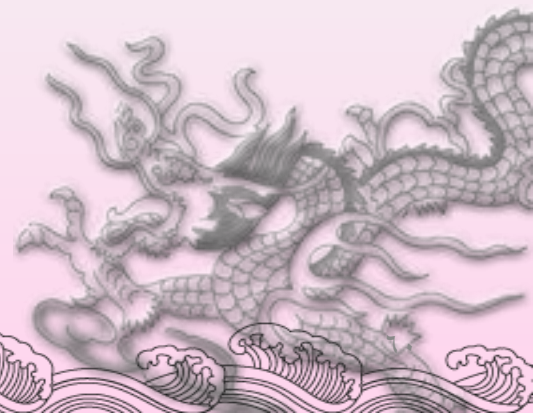
شواهد و قرائن نشان می دهد که این متون آن چیزی نیست که قرآن حافظ و مؤید آنهاست:

۱- این کتب از جهاتی مخدوش و قابل مناقشه است: نخست از جهات اصالت و سند که تحقیق و مطالعه درباره تورات نشان می دهد مطالب آن به صورت قطعی به دست موسی تدوین نشده است.

۲- ادبیات و اسفار پنج گانه، به لحاظ طرح و گزارش رویدادها و گفتارهای دینی، مانند ادبیات به کار رفته در اناجیل چهارگانه، به گونه ای است که هر خواننده بی طرفی می فهمد که آنها، به قلم شخص یا اشخاصی گرد آمده است که راویان موسی و عیسی بوده اند.



در باب وظیفه، نمی توان حکم به عمومیت داد، بلکه باید به دینی عمل کرد که بیشترین نزدیکی را به حقیقت مطلق دارد و آن دین **اسلام** است. زیرا دستخوش هیچ تحریفی نشده و کلام ناب الهی است. بر همین پایه نیز، دعوت به دین اسلام معنا می یابد و راه شمول گرایان، از کثرت گرایان جدا می شود.



دیدگاه دین اسلام

◇ در دین اسلام ما چرا کاملاً متفاوت از مسیحیت است. برخلاف مسیحیت و کلیسا که تقریباً بعد از شانزده قرن آن هم به اجبار پذیرفتند که غیر مسیحی نیز امکان نجات دارد؛ در اسلام، در همان سال‌های اول و در مقدس‌ترین متن به این مطلب اذعان شده است که اگر انسان‌ها بر فطرت پاک خود باشند، عمل صالح انجام دهند و واقعاً حقیقت اسلام بر آنها روشن نشده باشد، می‌توانند نجات یابند. این مطلب تنها در یک آیه یا به صورت ضمنی بیان نشده است؛ بلکه در آیات مختلف و با صراحت کامل بیان شده است که هر چند اسلام، دین حق و حقیقت است، اما برای گروه‌هایی از غیر مسلمانان که به حقیقت دین اسلام پی نبردند نیز، راه نجات وجود دارد. بنابراین دایره نجات فراتر از حقانیت می‌باشد.

این اعتقاد با برخی از آیات قرآن که گفته تنها دین اسلام پذیرفته می‌شود
وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

و هر که جز اسلام، دینی طلب کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است.

منافات ندارد؛ زیرا این آیات برای افرادی است که پیامبر اسلام -
صلی‌الله‌علیه‌وآله - را درک کرده‌اند یا حقانیت اسلام برای آنها ثابت شده است و
در این صورت از آنها غیر از اسلام قبول نمی‌شود، اما برای افرادی که واقعاً
نتوانسته‌اند با اسلام راستین و حقیقت درست، آشنا گردند، حال چه به جهت
شرایط خاص خودشان به اسلام نرسیده‌اند و چه به جهت کم‌کاری برخی
مسلمانان، در عین حال بنا بر فطرت خود به خداوند و روز قیامت اعتقاد داشتند و
عمل صالح انجام می‌دادند؛ طبیعی است که نباید آنها را مستحق عذاب دانست که
این خلاف عدالت الهی می‌باشد.

تاملی در آیات:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

هر یک از مسلمانان و یهود و نصاری و صابئیان (پیروان حضرت یحیی) که از روی حقیقت به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکاری پیشه کند، البته آنها از خدا پاداش نیک یابند و هیچگاه بیمناک و اندوهگین نخواهند بود.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آنها که ایمان آورده‌اند، و یهود و صابئان و مسیحیان، هرگاه به خداوند یگانه و روز جزا، ایمان بیاورند، و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین خواهند شد.



بخش دوم

شناخت اسلام

تعریف اسلام

◇ اگر از یک مسلمان پرسیده شود که اسلام چیست؟

◇ " اسلام نام دین ما است. اسلام نام آخرین دین خداوند است. اسلام کاملترین دینی است که توسط آخرین پیامبر خدا برای بشر نازل شده است." در لغت نامه کلمه اسلام به این صورت تعریف شده است:

◇ **تسلیم شدن، اطاعت کردن و همچنین صلح.**

◇ دیدگاه مسلمانان، اسلام خاتم ادیان الهی است.

◇ ادیان عموماً بر اساس نام بنیانگذار و یا نام قومی که منسوب به آن است نامگذاری می شوند. به عنوان مثال یهودیت و هندوئیسم هر دو منسوب به قوم ویژه ای هستند. اما برخی ادیان دیگر نیز هستند که همچون مسیحیت و بودیزم بر اساس نام موسس خود نامیده می شوند.

◇ اما نام دین اسلام از طرف خداوند داده شده و بر اساس نام حضرت محمد (ص) و یا قومیت عرب نامگذاری و یا شناخته نمی شود. چراکه اسلام نامی است که از جانب خداوند به این دین داده شده و محمد بن عبدالله (ص) نه موسس آن بلکه صرفاً پیغمبر این دین از جانب خداوند محسوب می شود.

◇ از حضرت آدم تا حضرت خاتم همه و همه، پیامبرانی بوده اند که در قالب دین اسلام به هدایت جهانیان پرداخته اند. احکام و اخلاقی که خاتم الانبیاء از طرف خداوند به بشریت عرضه کرده، ابدی هستند. در آیه ۱۳ سوره شوری می فرماید:

◇ «شَرَاعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» شوری / ۱۳

◇ از [احکام] دین آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می خوانی گران می آید خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمی گزیند و هر که را که از در توبه در آید به سوی خود راه می نماید

بنابراین از حضرت آدم تا حضرت خاتم همه و همه، پیامبرانی بوده اند که در قالب دین اسلام به هدایت جهانیان پرداخته اند. احکام و اخلاقی که خاتم الانبیاء از طرف خداوند به بشریت عرضه کرده، ابدی هستند.

اسلام دینی کامل بوده و بطور یقین از هرگونه خرافه و بدعت مبرا است. این دین در سراسر حیات انسان، از لحظه تولد تا لحظه مرگ وی را در خود احاطه کرده است.

خداوند بزرگ در آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل در این خصوص فرموده است:

و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم.



◇ **هدف اسلام** تحصیل سعادت دنیا و عقبی برای انسان است. این دین توحیدی مبتنی بر وحی است و غایت آن، رضایت حق تعالی است.

◇ اسلام بر عقل و شعور انسان تاکید بسیار دارد. این دین از انسان می خواهد که تفکر کند، محیط خود را اصلاح نماید، تلاش کند و خود را توسعه دهد.

◇ دین اسلام دینی میانه رو است. در آن افراطی گری وجود ندارد و به جای آوردن احکام آن ساده و سهل است.

مبانی اعتقادی اسلام روشن و منطقی است و فهم و قبول آن به سهولت امکان پذیر است. در دین اسلام میان خدا و بنده خدا نیازی به واسطه وجود ندارد.

◇ این دین به حیات دنیوی و اخروی، به سلامت جسمانی و روحانی و به توان ذهنی و عقلی انسان اهمیت بسیار قائل است. در آیه ۸۵ از سوره مبارکه آل عمران می فرماید:

◇ **و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است.**



منشأ الهی
داشتن

رمز
حقانیت
دین

برآورده
کننده
انتظارات
بشر از دین

مطابقت با
واقع

دلایل حقانیت و برتری اسلام

۱. **زنده و جاوید بودن معجزه دین اسلام**؛ چون معجزه اصلی این دین «قرآن» است که از نوع کتاب و منطق و دانش است بر خلاف معجزه انبیای گذشته که از نوع امور محسوس بوده است و به همین جهت همیشه زنده است و متکی بر خودش می باشد و وابسته به حضور و حیات مختص پیامبر اسلام (ص) نیست و معجزه ای است جاودانی و ابدی. (اعجاز اسلام)

۲. **تحریف نشدن قرآن** یعنی هیچ تغییری و دگرگونی در او ایجاد نشده است. (عصمت اسلام)

۳. سومین راه برای اثبات حقانیت اسلام، توجه به مسأله **خاتمیت پیامبر اسلام (ص)** است چون متون دینی اسلام تأکید دارند که پیامبر اسلام آخرین پیامبر خداست و بعد از او پیامبری نخواهد آمد. و در همه جوامع بشری آخرین دستورالعمل یک مدیر و کارفرما، ملاک عمل قرار می گیرد و لازم الاجراء خواهد بود، و با آمدن دستورالعمل جدید، قبلی ها خود به خود ملغی می شوند. و در متون دینی ادیان دیگر نیامده که پیامبرشان آخرین فرستاده خداست، بلکه به نوعی؛ بشارت به ظهور پیامبر اسلام را به پیروان خود داده اند. یعنی به نوعی موقتی بودن خود را بیان نموده اند.

۴. مسأله **جامعیت اسلام** است، که اسلام در ابعاد مختلف و متعدد روحی و روانی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی زندگی انسان دارای تعالیم است. برای شناخت بیشتر جامعیت و برتری مفاهیم دینی اسلام باید مطالعه مقایسه ای بین محتوای متون مقدس دین اسلام و محتوای ادیان دیگر صورت گیرد و در آن صورت برتری و جامعیت تعالیم دینی اسلام در ابواب اعتقادی، توحید و صفات خداوند، و اخلاق فردی و اجتماعی؛ حقوق، اقتصاد، سیاست و حکومت و ... آشکار و روشن می شود.

۵. در میان ادیان موجود در جهان امروز تنها دینی که دارای **تاریخی زنده و معتبر** است اسلام است که مورخان حتی جزئیات دوران کودکی پیامبر را نیز ضبط کردند در حالی که بقیه ادیان دارای سند تاریخی معتبر نیستند و به همین جهت برخی از متفکران غربی حتی در وجود حضرت عیسی (ع) شک دارند و اگر قرآن ما مسلمانان را نام حضرت مسیح و دیگر انبیا را ذکر نمی کرد شاید دین مسیح و یهود و پیامبرشان دارای چنین رسمیت و رواجی در جامعه بشری نبودند.

رمز جاودانگی و جامعیت اسلام

۱. پاسخ گویی به نیازهای فطری انسان دارد چون این گوهر وجودی در طی اعصار و قرون ثابت است
۲. اسلام آخرین و کاملترین شریعت است . قوانین اساسی آن نیز جاودانه و ثابت است (حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه)
۳. (حجیت عقل) اسلام با اعتبار بخشی به احکام صحیح عقلی توانسته است حکم برخی از مسائل را تعیین کند
۴. گشوده بودن باب اجتهاد
۵. قواعد حاکمه فقهی مثل نفی حرج - نفی ضرر- قاعده اهم ومهم بر اساس مصالح و مفسد



استاد مطهری درباره جامعیت دین می نویسد:
((اسلام طرحی است کلی و جامع و همه جانبه و معتدل و متعادل.
حاوی همه طرح های جزئی و کارآمد در همه موارد.))
در کتاب اصول کافی فصلی است به نام ((تمام نیازهای مردم در
کتاب و سنت بیان شده است)) که احادیث زیادی از ائمه نقل
شده است.

اسلام مکتب جامع و همه جانبه و واقع گراست که در آن به همه جوانب نیازهای انسان، اعم از دنیوی و اخروی، جسمی و روحی، عقلی و عاطفی، فردی و اجتماعی توجه شده است.

سیره عملی پیامبر اسلام نشان می دهد که تعالیم دین اسلام همه شئون زندگی فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی مسلمانان را در بر می گیرد.

پیامبر در زمان خود تشکیل حکومت داد، کسانی را به عنوان حاکم و ولی برای قبایل مختلف منصوب کرد، حل و فصل اختلافات، انعقاد عهد نامه ها و پیمان نامه های بسیار و ... این اقدامات تنها در منظومه وجود یک دولت و حکومت که رأس آن پیامبر بوده است، مفهوم می یابد.

چرا من باید مسلمان باشم؟

◇ هر چند پاره ای از حقایق در ادیانی که امروزه در جهان وجود دارند قابل مشاهده است، ولی شکل کامل حقیقت که همان توحید حقیقی باشد، فقط در چهره اسلام قابل مشاهده است، عمده ترین دلیل بر اثبات این مدعا، نداشتن سند معتبر، و وجود تحریف و متناقضات عقلی در متون دینی سایر ادیان و در مقابل؛ تحریف نشدن قرآن، داشتن سند و تاریخ معتبر، جامعیت دین اسلام، و هماهنگی تعالیم آن با عقل سلیم، پاسخگوی تمام نیازهای فطری انسان می باشد.

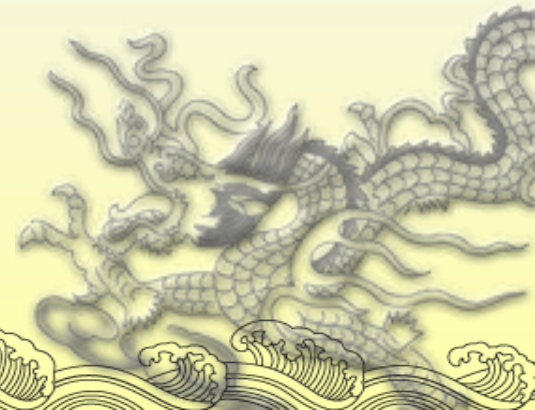
از طرفی دیگر دین حق در هر پرهه ای منحصرأ یک دین است و سایر ادیان و مذاهب موجود یا اساساً باطل و بی اساسند و یا منقرض و منسوخ و امروز شریعت حقه، شریعت اسلام است.

قرآن کریم معجزه جاودان

◆ معجزه، شهادت و گواهی فعلی خداوند بر پیامبر و «بینه» عملی بر صدق ادعای نبوت اوست؛ امر خارق العاده‌ای که به دست مدعی نبوت، مطابق دعوی او ظاهر می‌شود و خلق از آوردن مثل آن ناتوان و عاجزند.

◆ قرآن کریم که معجزه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است تا ابد موجود و معجزه است.

قلمرو اعجاز قرآن، مرز جغرافیایی و تاریخ زمانی را در نور دیده، فراسوی زمین و زمان خیمه و هیمنه دارد؛ بر خلاف معجزات پیامبران پیشین که در مقطع خاص، و تنها بر مخاطبان ویژه خود کارگر افتاده است و اگر قرآن نبود، شاید در صحت تاریخی آن‌ها با دیده تردید می‌نگریستیم.



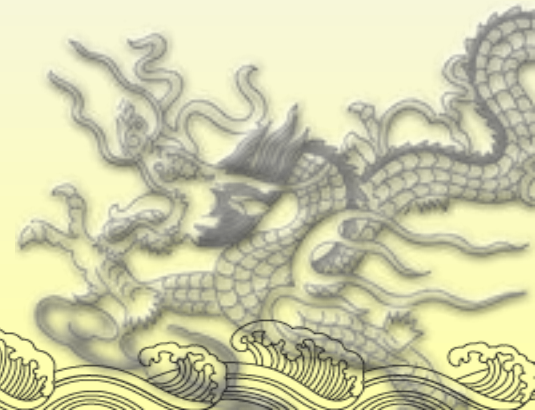
برخی از محورهای اعجاز قرآن عبارت است از:

۱- فصاحت و بلاغت

شگفت آن که الفاظ قرآن، برخاسته از همان الفبایی است که در اختیار همگان قرار داشت و دارد، ولی نه در گذشته و حال و نه در آینده، احدی توان آن را نداشت و ندارد که با ترکیب همین الفاظ و حروف، سوره‌های همتای کوچک‌ترین سوره قرآنی بیاورد، و ابدیت اعجاز را قرآن پیش‌بینی کرد و چنین فرمود:

﴿فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَن تَفْعَلُوا...﴾ (بقره/۲۴)

یعنی اگر نتوانستید سوره‌های مثل قرآن بیاورید و البته نمی‌توانید در آینده هم‌وردی داشته باشید....



۲- هدایت و تربیت

هیچ کتاب تربیتی به گرد قرآن نمی‌رسد. کتاب‌های آسمانی چون تورات و انجیل در برابر روی جهانیان قرار دارد، اما اصول معارف بلند و اخلاقیات و تهذیب قرآن در اوج عظمت است.

قرآن توانست مردان و زنان عقیف و پارسا و جهادگر، مغزهای متفکر، دست‌های تلاش‌گر و پاهایی به استواری کوه، اینارگرانی از مال و جان گذشته، زبان‌های شاکر، مهر و محبت، سلامت روح و روان، رحمت و عطوفت، عدالت و انصاف، سجاده افکن‌های نیایش‌گر، استغفارکنندگان بیدار دل، شیران میدان‌های پیکار، بیهوده‌گریزان لغو‌ستیز، تسبیح‌گویان ذاکر، فرشته‌خویان دیو‌گریز، عالمان عامل و جهل‌گریزان دانش‌پژوه بیافریند و از هیچ خشک و تر دیگر فروگذار نکند. پس، بر ماست که از این خورشید تابان رخ برنتابیم:

﴿...کتاب أنزلناه إليك لتخرج الناس من الظلمات إلى النور...﴾ (ابراهیم / ۱)

و از این منبع نور، شاه‌راه را باز شناسیم و در هنگامه فتنه‌های شوم و تاریک، از آن اقتباس جوییم؛

چنان‌که «نبي الله اعظم» فرمود:

«فإذا التبست عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن»

۳- اعجاز در نظم و معانی قرآن

از دیر باز تاکنون، قرآن پژوهان و سخن شناسان، معتقدند که واژه‌های زیبا و شیوای قرآن چون دانه‌های تسبیح بلکه مانند اعداد ریاضی به گونه‌ای منظم در کنار هم چیده شده‌اند. شگفت آن که زیر این نظم و زیبایی، دریا‌های وسیع و گسترده‌ای از معانی و محتوای بلند قرار گرفته که عقل خردورزان را به دهشت افکنده است و ارقام و اعداد میلیونی و میلیاردی برای آن ذکر کرده‌اند که ما در این نوشته به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنیم:

«جنابذی» در تفسیر بیان السعادة، وجوه و احتمالات در پنج آیه نخستین سوره بقره:

﴿ألم * ذلك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین * ... أولئك علی هدی من ربهم وأولئك هم المفلحون﴾

را در چند صفحه محاسبه کرده و به رقم ۱۱۴۸۴۲۰۵۷۷۰۲۴۰ رسانده، سپس می‌افزاید که این تعداد معانی همگی از وجوهی است که شاذ و نادر نیست و پیچیدگی ندارد، و چنانچه بخواهیم سایر وجوهی که برخی ضعیف است را نیز بر آن بیفزاییم، به مراتب بیش از عدد فوق خواهد شد. به علاوه، وجوه تکراری را نیز حذف کردیم.

تفسیر بیان السعادة، ج ۱، ص ۴۵ - ۳۹.

۴- اعجاز در ادب و هنر

همه ادیبان عرب و آشنایان به ادبیات عربی و پیشوایان تفسیر و حدیث حتی مخالفان قرآن از دیرباز تا کنون، اتفاق نظر دارند که قرآن مجید، سرشار از صنایع و هنرهای ادبی و بلاغت است.

زیبایی شناسان قرآن و هنر جویان او حدود هفتاد زیبایی از وجوه بلاغت، در سوره کوچک «فاتحة الكتاب» شناخته‌اند که دهتای آن، تنها در آیه «مالك يوم الدين» است. این، تنها به حسب استعداد پژوهش‌گران و قرآن‌کاوان است و بسا در آینده به رقمی بیش از این دست یازند.

از آیاتی که هوش از سر هوشمندان بزرگ عرب، چون «ابن مقفع» که به قصد آوردن يك چهارم قرآن همت گمارده بوده ربوده، بلکه همه ناموران ادیب و دانشوران را به اعجاب واداشته، این آیه است:

﴿وقيل يا ارض ابلعي ماءك ويا سماء اقلعي وغيض الماء وقضي الأمر واستوت علي الجودي وقيل بعداً للقوم الظالمين﴾ هود/د/۴۴

و گفته شد: ای زمین! آب خود را در کام‌گیر، و ای آسمان! ابر آب ریز را برکن (قطع نما) و ته مانده آب فروکش شد. فرمان پایان یافت و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و گفته شد: گروه ستمکار دور باد!

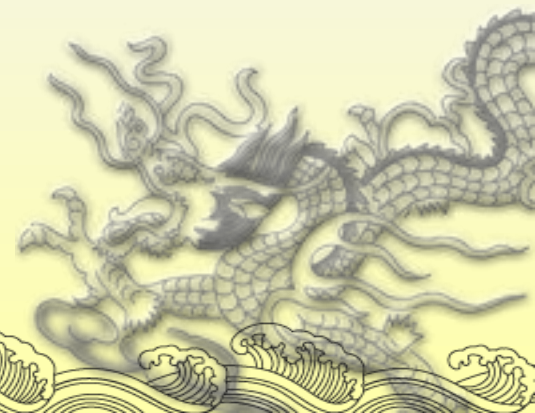
تاکنون نزدیک به سی صفت ادبی هنری در این آیه هویدا شده است:

◇ امیرالمومنین علی علیه السلام:

◇ در قرآن بهار دل و چشمه های دانش است. نهج البلاغه خ ۱۷۶

◇ قرآن ظاهرش علم و باطنش حکمت است نوآوریهای آن

پایان نمی پذیرد و شگفتیهای آن تمام نمی شود نهج البلاغه خ ۱۵۲



۵- اعجاز علمی قرآن

قرآن کتاب علوم طبیعی نیست و نمی توان از آن انتظار داشت که چون برخی از آیات مرتبط با مسائل علمی در آن آمده پس کوچکترین و جزئی ترین مباحث علمی در آن مطرح شده باشد مثلاً به علم تشریح پرداخته و تمام بیماریها را معرفی و سپس علائم و راههای درمان آنها بیان کرده باشد. زیرا قرآن به این هدف نازل نشده است. قرآن آمده است انسان را به سوی زندگی سعادتمند و جاوید هدایت کند و او را به نیروهای درونی اش آگاه کند. اگر می بینیم که قرآن خودش را **تبیاناً لکل شیء** معرفی می کند منظور این است که هرچه را برای رسیدن به این هدف برای انسان لازم است آورده است.

چرا قرآن مشتمل بر مسائل علمی است ؟

■ در پاسخ به این پرسش که چرا در قرآن مسائل علمی مطرح شده ، به دو نکته اشاره می کنیم:

■ ۱. خداوند با علم خود می دانسته که اگر این کتاب فقط به جنبه های دینی بپردازد در آینده مردمی خواهند آمد و می گویند، دیگر عمر دین به پایان رسیده است ؛ حالا که بشر خودش می تواند پرده از اسرار علوم بردارد، دیگر نیازی نیست که به دین متوسل شود. بنابراین خداوند برای این که راه را بر این گروه بیند، برخی جنبه های علمی را در این کتاب گنجانده است. استناد به این آیه می تواند تا حدودی این نکته را تایید کند: **((سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ لِحَقِّ))** ؛ یعنی به زودی آیات خود را در آفاق و انفس به ایشان نشان می دهیم تا بر ایشان روشن شود که همانا قرآن حق است. در اینجا توجه به ((س)) به معنای به زودی در کلمه ((سَنُرِيهِمْ)) قابل توجه به نظر می رسد...

■ ۲. شکی نیست که دعوت اسلام فقط ویژه قوم عرب نیست . قرآن به این نکته این طور اشاره می کند: **((وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ))** ، **((وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرِ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ))**. از سویی اعجاز بلاغی قرآن فقط برای کسانی قابل درک است که از تمام زیر و بم زبان عربی آگاه باشند. از طریق ترجمه هم نمی توان این اعجاز را منتقل کرد، زیرا در ترجمه زبانی به زبان دیگر، همه ویژگی های زبانی را نمی توان انتقال داد. از طرفی چون دعوت قرآن عمومی است نمی توان از همه مردم دنیا خواست که ابتدا زبان عربی را نیک بیاموزند تا بتوانند اعجاز قرآن را درک کنند. دعوت قرآن عمومی و همگانی است و استدلالات و وجوه اعجاز آن نیز باید همه فهم و فراگیر باشد؛ نه این که فقط مخصوص قوم خاصی باشد.

نکته

- با توجه به اینکه قران مجید کلام خداوند است و دریایی لایتناهی است آنچه در این مجموعه گردآوری شده است برداشتهای بشری با تکیه بر مسایل علمی می باشد و کاملاً محدود می باشد و این برداشتها شخصی است و هیچگاه نمی توان به صورت قطعی بیان کرد که مفهوم آیه همین مطالب مورد اشاره می باشد است هدف این است که عزیزان با مطالعه این مباحث به گوشه ای دیگر از عظمت این دریای بیکران پی برده و از آن بهره جویند همچنین امید است که این کار باعث شود عزیزان عمیق تر به مطالعه قران پردازند. و حسن ختام اینکه مطالعه هر صفحه را چنین آغاز کنیم که: **“چنین به نظر می رسد ولی مراد واقعی پیش خدا و برگزیدگان اوست”**

آفرینش هستی از گاز

خدای متعال در سوره فصلت اشاره به مرحله ابتدائی پیدایش آسمانها و زمین کرده و با اشاره به خلقت از گازی فرماید:

"ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ

(فصلت-۱۱)

سپس او به آسمان پرداخت ، هنگامی که هنوز به صورت گاز بود و به آن و زمین گفت: "به وجود بیایید ، خواسته یا ناخواسته." آنها گفتند: "ما با میل و رغبت می آییم.

تصویر زیر ستاره ای جدید را در حال شکل گیری از گاز و غبار (Nebula) ، از بقایای گازی که منشاء پیدایش کل جهان بوده است نشان می دهد:



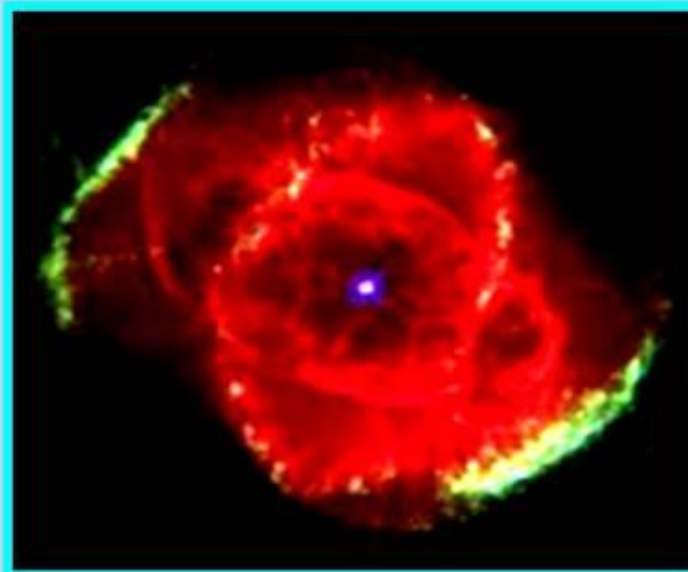
انفجار ستارگان

موقع انفجار و فرو پاشی ستارگان گازها و موجهای حاصله ترکیبی بسیار زیبا بهمانند **گل رز** ایجاد می کنند. این پدیده در قرآن مجید در سوره الرحمن ایه ۳۷ بیان گردیده است:

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ

هنگامی که آسمان از هم پاشیده شود و مانند رنگ ، به سرخی گل رز درآید .

حال عبارت قرآن را با عکسهای ناسا (NASA) که توسط تلسکوپ هابل گرفته شده است ، مقایسه کنید: به لحاظ علمی ثابت شده است که هنگام انفجار و فروپاشی ستارگان ، گازها و موجهای حاصل ، ترکیبی بسیار زیبا به مانند گل رز ایجاد می کنند.



زمین شقه شقه است

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱) وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲) إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (۱۳) وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ

(طارق)

« سوگند به جو برگشت دهنده - و به زمین شقه شقه - که این قرآن گفتار جدا جدا است نه اینکه چیز بیهوده ای باشد! »

۱- جو برگشت دهنده است:

جو موارد مضر را از آمدن به زمین منع می کند و آنها را به فضا برگشت می دهد ، و موارد مفیدی که از زمین بالا می روند را به زمین برگشت می دهد یا در جو نگه می دارند

۲- زمین شقه شقه است:



سطح زمین در واقع شقه شقه است. سطح زمین در مجموع از ۱۰ تا شقه های کوچک و بزرگ تشکیل شده است. محل تماس لایه ها عمدتاً در سطح اقیانوس ها و برخی از دریاها است و هزاران کیلومتر طول دارند. از شکاف میان آنها مواد مذاب بیرون می ریزد که از ضروریات زنده نگه داشتن زمین و مناسب نمودن و مناسب نگهداشتن آن برای زندگی است. طوریکه اگر نمی بودند زمین از همان آغاز سرد شدن قشر خود منفجر می شد ، و یا اصلاً حیاتی روی آن پا نمی گرفت.

حرکت وضعی زمین

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا

(النبا - ۶)

آیا زمین را گهواره وار نکردیم!

«أَلَمْ نَجْعَلِ» به معنی: «قد جَعَلْنَا» است. (بروش منفی برای اقرار گرفتن است) - و «مِهَادًا» تشبیه بلیغ است ، به معنی: «کالمِهَاد» به معنی: «گهواره وار» و آیه به این معنی است که: «ما زمین را گهواره وار نمودیم».

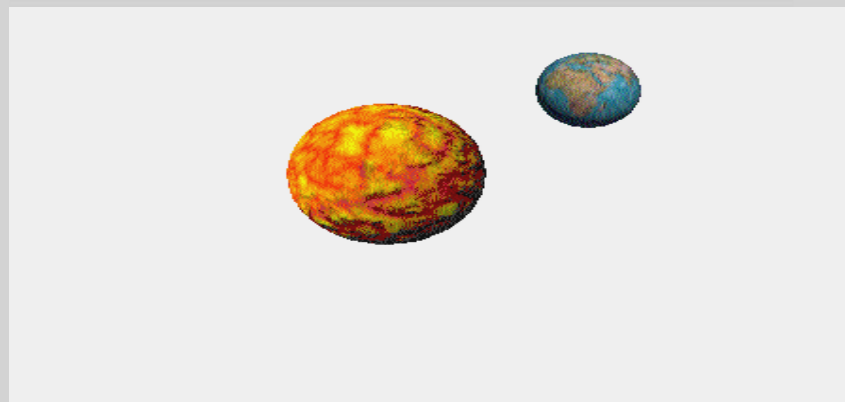
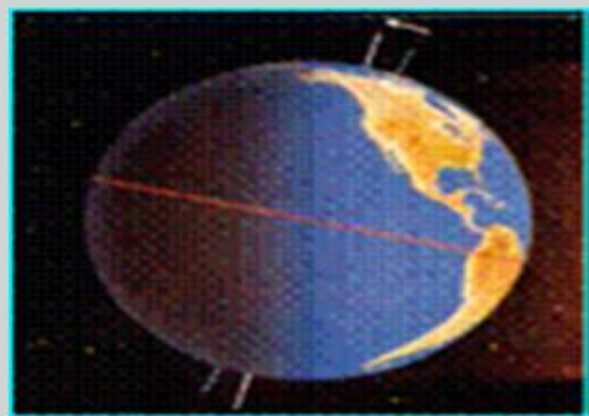
نکات آیه:

۱- زمین گهواره وار است:

یکی از حرکات زمین حرکت گهواره واری آن است. در این نوع حرکت قطب شمال آن در تابستان و زمستان به یک طرف مایل می شود. در تابستان تمایل آن رو به خورشید است. در پائیز محور آن راست است. در زمستان تمایل آن در جهت خلاف خورشید است. و در بهار محور آن راست است. این حرکت گهواره واری زمین حرکت وضعی نامیده می شود.

۲- زمین حرکت دلزد:

تشبیه زمین به «گهواره» به معنی: «متحرک بودن آن است». (و این برخلاف علم نجوم عصر پیامبر است که در آن زمین ثابت و مرکز جهان بود).



7 Exosphere

٧ اڪسوسفر

6 Thermosphere

٦ ترموسفر

5 Ionosphere

٥ يونوسفر

4 Mesosphere

٤ مزوسفر

3 Ozonsphere

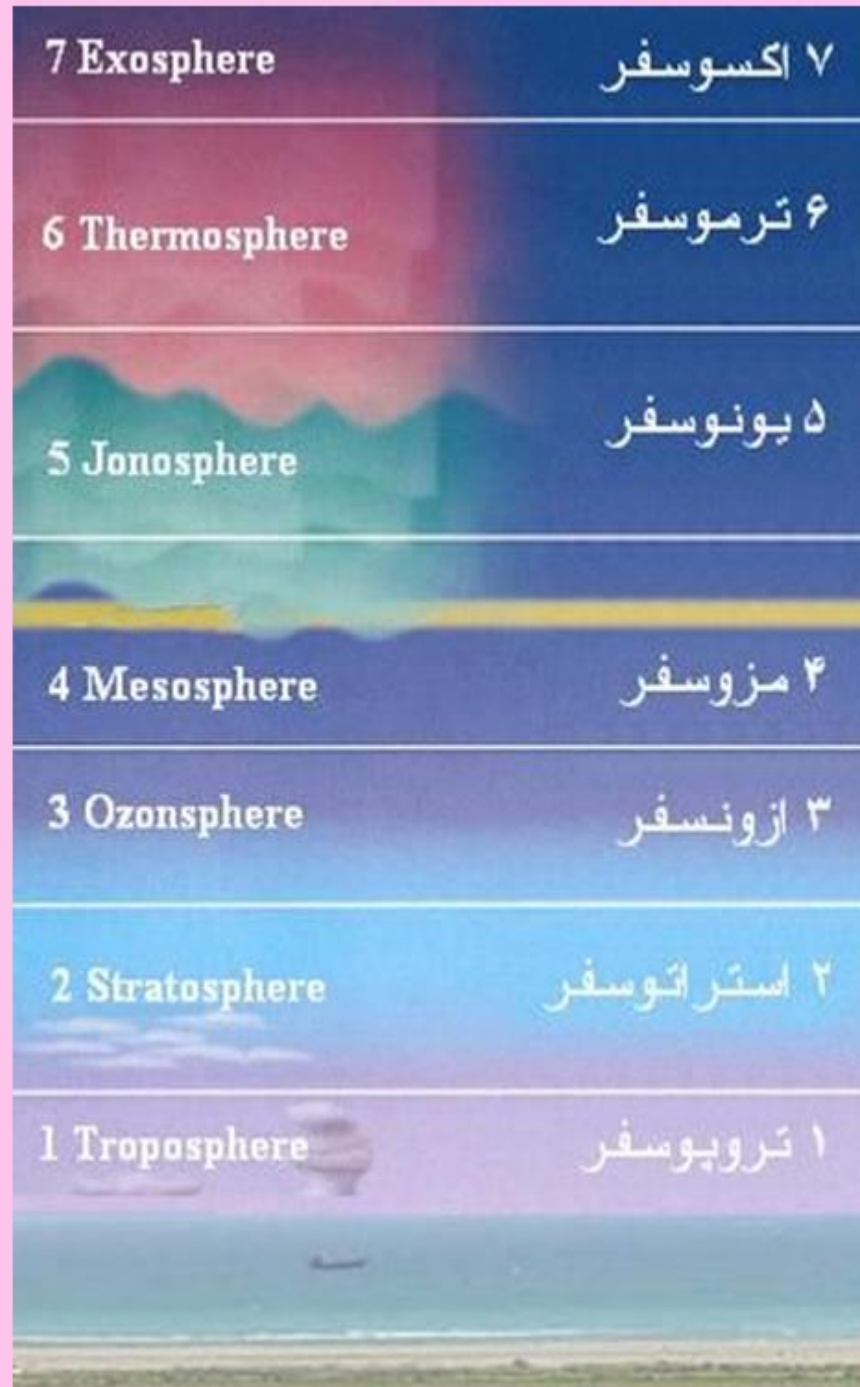
٣ ازونسفر

2 Stratosphere

٢ اسٽراتوسفر

1 Troposphere

١ تروپوسفر



صدای تک تک ستاره

وَالسَّمَاءَ وَالطَّارِقِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲) النَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳)

طارق

« سوگند به فضا و به آنچه تک تک می کند - چه می دانی آنچه تک تک می کند چیست؟ - آن ستاره پر درخشش است.»

طارق از ریشه طرق به معنی صدا ایجاد کردن یا کوبیدن است و به چیزی که ایجاد صدا کند طارق

گفته می شود. علم نوین نشان می دهد ستاره های پرنور از نوع ستاره های پولسار وقتی با

رادیوتلسکوپ بررسی می شوند صدای تک.. تک.. ایجاد می کنند. ستاره های پولسار ستاره های

بسیار پرنوری هستند. (النَّجْمُ الثَّاقِبُ)

صدای انواع ستاره های پولسار در سایت دانشگاه منچستر وجود دارد
<http://www.jb.man.ac.uk/pulsar/Education/Sounds/sounds.html>



در صورت مجهز بودن سیستم به
Media player برای شنیدن صدای ستاره روی فلش کلیک کنید

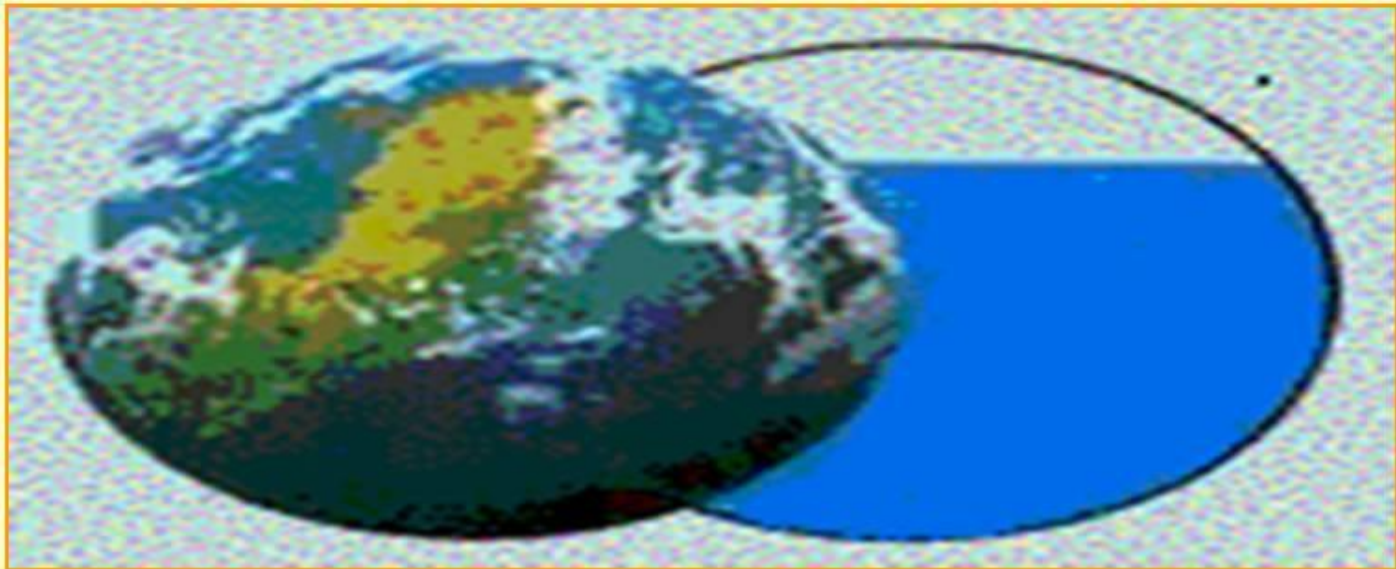
میزان آب و خشکی زمین

واژه «بَحر» به معنی دریا ۴۱ بار در قرآن بکار رفته و واژه «بَرّ» به معنی خشکی ۱۲ بار. می دانیم بیش از سه چهارم زمین را آب فرا گرفته است .

$$12+41=53$$

$$(12/53)*100=22.6$$

$$(41/53)*100=77.4$$



گودترین منطقه روی زمین

در سال ۶۱۹ میلادی، در جنگی که بین ایران و روم در منطقه‌ای از فلسطین به وقوع پیوست، **سوره مبارکه روم** نازل شد. در اولین آیت این سوره مبارکه که با حروف مقطعه آغاز می‌شود آمده است:

الم (۱) غَلَبَتِ الرُّومُ (۲) فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۳)

در این آیه اعیان علی قرآن جوید **طافی الارض** یا بررسی‌های علمی آیت شده است.

بر اساس تحقیقات صورت گرفته پس از گذشت چهارده قرن از نزول قرآن کریم، محققان علم جغرافیا دریافته‌اند که گودترین و پایین‌ترین منطقه روی زمین بحر المیت می‌باشد و این محل همان منطقه‌ای است که جنگ بین پارس و روم در آن واقع شد؛ جالب آنکه در قرآن کریم به این قضیه اشاره شده است.

طافی در زبان عربی به معنی پست‌ترین به کار برده می‌شود و محل شکست خوردن رومیان پائین‌ترین سطح زمین است:

محل وقوع جنگ اشاره شده در آیه که در سال ۶۱۹ میلادی میان ایرانیان و رومیان رخ داده و منجر به شکست رومیان شده در منطقه آغوار دریای مرده در فلسطین قرار دارد. این **نقطه دقیقاً پائین‌ترین نقطه سطح خشکی زمین است و ۲۹۲ متر از سطح دریا پائین‌تر است**. البته این اندازه گیری با امکانات ماهواره‌ای صورت گرفته و از دانش قرن بیستم بشر است. دریای مرده (در عربی: بحر المیت) در مرز اردن و فلسطین اشغالی و کرانه باختری رود اردن واقع شده است.



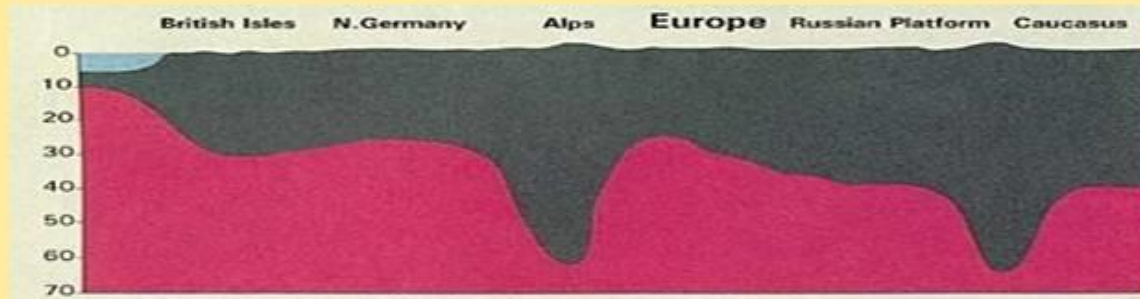
کوه ها در قرآن

قطب یزش کوچکی از حجم کوهها در سطح زمین قرار دارند و قابل رویت می باشد. پایه ها و ریشه های کوهها گاه کیلومترها در اعماق زمین همانند میخهایی عظیم در داخل زمین فرو رفته است. این یافته علمی زمین شناسان که تا چند دهه پیش برای انسانها پوشیده بود در قرآن کریم بحدو مطلوبی بوضوح توسط خالق آسمانها و زمین بیان گردیده است:

وَالْجِبَالُ أَوْتَادٌ (النبا-۷)

و کوه ها را همچون میخهایی (بناکرد)؟

همانطوری که در تصویر زیر دیده می شود، کوه ها ریشه های عمیقی دارند که همچون میخهایی در زمین فرو رفته اند.



Source: *Anatomy of the Earth*, Cailleux, p. 220.

باید اینک در این آیه های عظیم قرآن هتکر کنیم. اگر عقل خود را بصلوات طلیم و از یش دلوری های شکل گرفته از تصایح و طورهای فرهنگی و سنی اجتناب کنیم درمی یابیم که چه کوههایی تایی در این کتاب آسمانی آشکار و نهفته است. چگونه یک انسان بدون اتکاء به علم خالق آسمانها و زمین می توانست در یکی از ایضایی ترین جوامع بشری از لحاظ علمی یعنی زبیدی و دقت پندیده های طبیعی را بیان کند؟ زمین شناسان امروز ثابت نموده اند که کوهها همانند میخهایی عظیم باعث ثبات و استقرار زمین می شوند و زمین را از لغزش های مکرر باز می دارند. حال باید به قرآن مجید رجوع کرده و ببینیم که چگونه این مقلیم زبیدی و دقت در این کتاب آسمانی بیان شده است:

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَاراً وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (نحل-۱۵)

او او در زمین استحکاماتی (کوه ها) برای توازن قرار داد تا مبادا با شما بلغزد، همین طور رودخانه ها و جاده ها، باشد که هدایت شوید.

سقف بودن جو

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا انبیا-۳۲

« و جو را سقفي حفظ کننده قرار دادیم »

نکته آید: جو مانند سقف حفظ کننده درست شده

همیشه از طرف فضا سنگهای آسمانی بطرف زمین می آید ، جو آنها را می سوزاند ، و آنها ضمن چند ثانیه درخشیدن به پودر تبدیل می شوند و کم کم

بدون اینکه دیده شوند به زمین می ریزند.

جو امواج رادیویی را بطرف زمین برمی گرداند.

خورشید انواع و اقسام امواج و انرژی از خود ساطع می کند. قشر گاز آزمون جو که در ارتفاع میان ۲۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ متر قرار دارد ، از به زمین رسیدن

اشعه ماوراء بنفش که می تواند خیلی از موجودات زنده را بکشد جلوگیری می کند.

قشر جو مانع از بیرون رفتن بخار آب می شود.

قشر دی اکسید جو گرمای زمین را در جو زمین نگه می دارد و فقط قسمت ناچیزی از گرما از آن به خارج از جو نفوذ می کند. در صورت نبود این

قشر گرما از محدوده زمین خارج می شود و جو زمین ۵۰ درجه سردتر از آنچه هست می شود. به این ترتیب جو مانند یک سقف ما را حفظ می کند.



حرکت کوهها

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ (نمل: ۸۸)

« و کوهها را می بینی گمان می کنی ثابت هستند ، در حالیکه مانند ابرها سپری می شوند.»

«مُرور»: در اصل بمعنی: آمدن و گذشتن و رفتن است ، و در معنی ضمنی خود بمعنی: سپری شدن یا نمودن است. و در آیه منظور از آمدن و رفتن و درگذشتن یا سپری شدن: متولد شدن و زندگی نمودن و مردن است.

نکته آیه: کوهها مانند ابرها سپری می شوند:



با تابش خورشید به دریاها و اقیانوسها و آبهای سطح زمین ، آب بخار میشود و به جو می رود. بعد این شکل می گیرد و در بارش آب مجدداً به زمین برمی گردد. این روند و فرایند همیشگی تولد و زندگی و مرگ ابرها است.

کوهها یا بر اثر فشار درونی زمین به بالا شکل می گیرند ، یا بر اثر فشار به بالا در جایی و کشش به پائین در جای دیگر شکل می گیرند ، یا بر اثر برخورد دو لایه زمین و چین خوردن زمین ، و یا بر اثر آتشفشان ایجاد می شوند ، و زمین سدها هزار و میلیونها سال بر اثر عوامل فرسایش خرد شده و به دشتها و دریاها برده می شوند و از آنها چیزی نمانده و با زمین یکسان می شوند و کوههای جدید دیگری در جاهای دیگر ایجاد می شود و یا همزمان با فرسوده شدن و بین رفتن آنها از بالا و از بیرون ، فشار درون زمینی پیوسته آنها را بلند می کند. این روند و فرایند زندگی کوهها مانند روند و فرایند زندگی ابرها است. و به این شکل کوهها که به گمان ما "ثابت" ، استوار و پایرجا" هستند مانند ابرها "سپری" می شوند.

هفت آسمان (۱)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (سوره بقره، آیه ۲۹)

« اوست که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرده پس از آن به خلقت آسمان نظر گماشت و هفت آسمان (بصورت منظم پرفراز همه) برافراشت. او به هر چیزی داناست »

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿۱۱﴾ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءِ

الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۱۲﴾ (سوره فصلت)

« آن گاه به (خلقت) آسمان پرداخت، که آن دودی بود، آنگاه هفت آسمان را در دو روز استقرار فرمود و در هر آسمان امر آن را وحی فرمود »

کلمه "آسمانها" در بسیاری از آیات به معنای آسمان بالای کره زمین و یا تمام جهان بکار رفته است.

با توجه به این معنی، جوزمین از هفت لایه ساخته شده است امروزه مشخص شده است که اتمسفر شامل لایه های مختلفی است که بر روی یکدیگر واقع شده اند.

بر اساس تعاریف انجام گرفته طبق معیارهای محتویات شیمیایی و دما، اتمسفر دارای هفت لایه می باشد. و بر اساس زمین شناسی مدرن، هفت لایه اتمسفر عبارتند از:

اثبات آرامش جسم و روح از نظر پزشکی در کلمه الله

تحقیقاتی از سوی محقق و پژوهشگر غیر مسلمان **دانشگاه آمستردام هلند** **پروفسور واندرهون** مبنی بر قرائت کلمه جلاله «الله» انجام گرفته است. این محقق معتقد است که نام «الله» نگرانی و تشویشها را برطرف می کند و به انسان آرامش می دهد و دستگاههای تنفسی به طور منظم به فعالیت ادامه می دهند.

این تحقیقات به مدت سه سال بر روی بیماران اعم از مسلمان و غیر مسلمان که حتی عربی را هم نمی دانستند، انجام گرفت.

نتایج شگفت انگیز این تحقیقات نشان داد کسانی که در حالت روحی وخیم، نگرانی، بحران و تنش بودند، به طرز معجزه آسایی بهبود یافتند.

این پژوهش به صورت علمی انجام شده است که تکرار کلمه «الله» فواید فراوانی دارد. حرف «الف» که از ابتدای مجاری تنفسی گفته می شود، سبب تنظیم تنفس، احساس راحتی، طمأنینه، سعه ی صدر، آرامش و امنیت می شود. حرف «لام» که زبان را بر بالای دهان و فک قرار می دهد، به علت ساکن بودن لام اول سبب راحتی در تنفس، تأمل در آسمان و نگاه به خالق و یاد او می شود.

حرف «هـ» که بعد از حرف قوی لام می آید، سبب تنظیم عصب، مرکز دستگاههای تنفسی و قلب می شود و ضربان قلب به صورت طبیعی و در کمال راحتی به کار خود ادامه می دهد.

آیه ی شریفه **«الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ، سوره رعد ۲۸»** یاد خدا موجب اطمینان قلب ها میشود. مصداق همین تحقیقات و پژوهشها است.

روزنامه جمهوری اسلامی ۲۶ آبان ۸۴ شماره ۷۶۲۵
مجله برگرفته از مجله ی خلق یقین شماره سوم



الْأَبْدَانُ لِلَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

تأثیر خواندن قرآن بر درمان بیماریهای روانی

در یک تحقیق علمی که در آمریکا که منتشر شده است، ثابت گردیده که تلاوت قرآن اثری شگرف بر حالت مزاجی فرد داشته و نقش عمده ای در کاهش مشکلات و بیماری های روانی ایفا می کند.

به گزارش شیعه نیوز، در یک تحقیق علمی که در مورد اثرات خواندن قرآن بر روح و روان انسان و لز سوی یکی از دانشگاه های آمریکا به انجام رسید، ثابت شد که تلاوت قرآن کریم می تواند بر کاهش استرس و اضطراب تاثیر داشته باشد.

در این رابطه، «دکتر رجب عبدالکریم بریسالی» روان پزشک و استاد دانشگاهی در ایالات متحده آمریکا، در مصاحبه با روزنامه "عکاظ" چاپ عربستان سعودی تصریح کرد: در تحقیقی که بر روی تعدادی از غیر عربزبانان آمریکایی صورت گرفت، تلاوت آیاتی از کلام الله مجید برای آنان موجب نتایج عجیبی بر سلامتی آنان شد.

وی افزود: در آزمایشی که بر روی برخی از بیماران انجام گرفت، پس از گذشت مدتی از تلاوت قرآن، دستگاه های روان سنجی که به مغز آنها متصل بود، نشان از کاهش فشارهای روانی بر روی این افراد داشت. حال آنکه هیچ کدام از آنها نیز مسلمان نبودند.

این روان پزشک در ادامه گفت: این تاثیر ناگهانی و کاهش یک باره مشکلات در این افراد، نتیجه جالبی بود که نظیر آن را در هیچ یک از درمان های روانی نمی توان یافت.

وی با اشاره به آیه شریفه "أَلَا بَدْرُ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" تاکید کرد: با تکمیل تحقیقات در این زمینه می توان به جرأت گفت شنیدن قرآن تاثیر شگرف و مستقیم بر کاهش استرس ها و بیماری های روانی دارد.



پس گرفته شدن مواد زائد جنین توسط رحم

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَفِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ

(رعد-۸)

«خدا می داند هر (مادر) بارداری چه بار دارد ، و می داند رحمها چه چیزی می مکند و چه چیزی را اضافه می کنند و هر چیزی پیش او اندازه ای دارد.»

نکته آیه: رحمها چیزهایی را از جنین می مکند و چیزهایی را به او می دهند ، و هر چیزی نیز اندازه مشخصی دارد:

رحم (با عبارتی کیسه ای که جنین در آن بسر می برد) به جنین مواد غذایی می فرستد و از همتا نیز مواد برگشتی جنین را می گیرد. کُرکها و پرزهای کوچک رحم (یعنی کیسه رحم) که در خون مادر غوطه می خورند همه مولکولهایی که از اندازه مشخصی بزرگتر هستند را تصفیه می کنند. و فقط کوچکترینهای عناصر حفاظتی بدن می توانند رد شوند و از طریق بند ناف به جنین برسند.

در زمان حضرت محمد(ص) انسان می دانست که رحم مادر نوزاد را تغذیه می کند ، ولی اینکه جنین مواد برگشتی نیز دارد و رحم آنرا را پس می گیرد ، و یا اینکه پرز های رحم مولکولهای بزرگ را تصفیه می کند طبعاً کسی چیزی نمی دانسته و این علوم مربوط به علم عصر ما است.



اثر انگشت

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ - بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ

(سوره قلمت ۴۲)

آیا انسان گمان میکند که نمیتوانیم دوباره استخوانهایش را جمع نماییم؟ ، درحالیکه قادریم دوباره سرانگشتانش را به حالت اولش برگردانیم.

امانکه، قابل تأمل همینجاست که چرا خداوند بزرگ از میان آنهمه شگفتیهای آفرینش انسان به حالت اول برگرداندن بنان (نوک انگشتان) اشاره میکند نه به سایر اعضای بدن ، آیا نوک انگشتان از ساختمان پیچیده سیستم عصبی ، قلب ، عروق ، استخوانهاو..... هم پیچیده تر است؟! دانش بشری در قرن نهم به راز اثر انگشت پی برد و متوجه گردید که سرانگشتان از خطوط برجسته و پست بصورت مارپیچ در پوست تشکیل شده است. نحوه امتداد این خطوط در افراد متفاوت میباشد طوری که **این خطوط حتی در دوقلوها هم شباهتی باهم ندارد** و در تمام دنیا دو نفر هم پیدا نمیشود که اثر انگشت آنها مشابه به یکدیگر باشد.

خطوط سرانگشتان در ماه چهارم حیات داخل رحمی شکل گرفته و تا پایان عمر تغییر نخواهد یافت. ممکن دو اثر انگشت تا حدودی باهم شباهت داشته باشند ولی هیچگاه باهم مطابقت نمیکند. بهین دلیل اثر انگشت هر فرد معرف شخصیت شخص میباشد طوری که در تحقیقات جنائی برای کشف هویت مجرمین و دزدان از اثر انگشت استفاده میشود.



تعیین جنس جنین

تخمه القاح یافته که قرار است جنس جنین را تشکیل بدهد شامل ۲۲ جفت کروموزوم عادی و یک جفت کروموزوم جنسی است. این کروموزوم ها از اشتراک تخمه زن (که همیشه دارای ۲۲ کروموزوم عادی و یک کروموزوم جنسی X می باشد) و نطفه مرد که (که دارای ۲۲ کروموزوم عادی و یک کروموزوم جنسی Y و یا X می باشد) تشکیل میشود. نیمی از نطفه مرد را کروموزوم های جنسی (Y) و نیمی دیگر را کروموزوم های جنسی (X) تشکیل میدهد اما تخمه زن همواره حامل کروموزوم جنسی (X) می باشد. اگر تخمه با کروموزوم جنسی (X) یکجا شود ، جنین دختر خواهد بود و اگر با کروموزوم جنسی (Y) یکجا شود پسر خواهد بود.

$$X + X = \text{دختر}$$

$$X + Y = \text{پسر}$$

بدین ترتیب پی میریم که این نطفهء مرد است که جنس جنین را تعیین میکند. این درست همان چیزی است که قرآن چهارده قرن پیش آزمایشان نموده است:

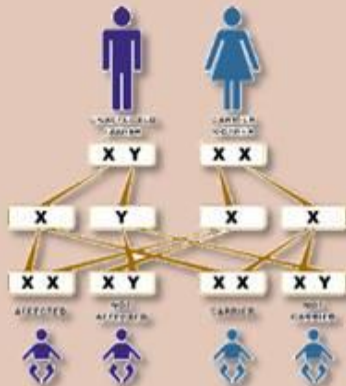
وأنه خلق الزوجین الذکر والاتی - من نطفة إ ذاتمني

(نیم - آیه ۴۵ و ۴۴)

و او خلق را برای انس گرفتن باهم بصورت جفت ، مرد و زن آفریده ، از نطفهء که از مردان به زنان میریزد. و نطفه مردان بسیار بزرگ است و نطفه زنان کوچک است و مردان بزرگترند و زنان کوچکترند و مردان کشته شدند و زنان در سینه های خود باردار شدند و از نطفه مردان به زنان میریزد.

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ

(نور-۲۲۴)



زنانتان کشتزار شما هستند ،



دکتر غلامرضا حسن زاده، عضو هیات علمی دانشگاه تهران:

آیات (نجم ۴۵/۵۳-۴۶) و (قیامت/۳۹، ۳۷/۷۵) به عنوان اعجاز علمی قرآن مورد توجه قرار گرفته است. در این آیات بحث "ذکر" و "انثی" مطرح و «منی» به عنوان عامل تعیین جنسیت معرفی شده است. از نظر علمی ثابت شده که عامل تعیین جنسیت در جنین وجود کروموزوم Y، در اسپرم مرد است و کروموزوم های سلول جنسی زن دخالتی در این امر ندارد. پژوهش از نوع کتابخانه ای و در بخشهای جنین شناسی، ژنتیک و قرآنی انجام شده است.

هر انسانی از لقاح دو سلول جنسی پدر و مادر (اسپرم و اوول) به وجود می آید. اما عامل دختر یا پسر شدن چیست؟ در گذشته همواره زن را عامل تعیین جنسیت جنین می دانستند، اما قرآن منی مرد را عامل مؤثر در دختر یا پسر شدن جنین معرفی می کند و علم روز نیز این مطلب را به اثبات رسانده است.

«نطفه» به معنای آب صاف و اندک است، به «منی» نیز به سبب قلت و کمی آن، اطلاق می گردد. واژه «منی» از دیدگاه لغویون و مفسران قدیم و جدید و در تعبیر تورات و نیز اشعار جاهلیت بر آب مرد اطلاق شده است. قرآن با آوردن عبارات «منی یمنی» و «جعل منه الزوجین الذکر و الانثی» به نقش تعیین کننده منی مرد (منی مرجع ضمیر "ه" در "منه") توجه داده است

شنوائی در یک نقطه و بینائی در چند نقطه از مغز

.... وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ (سجده - ۶)

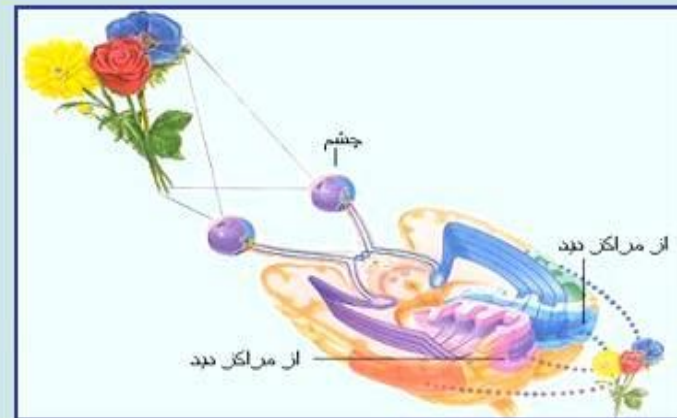
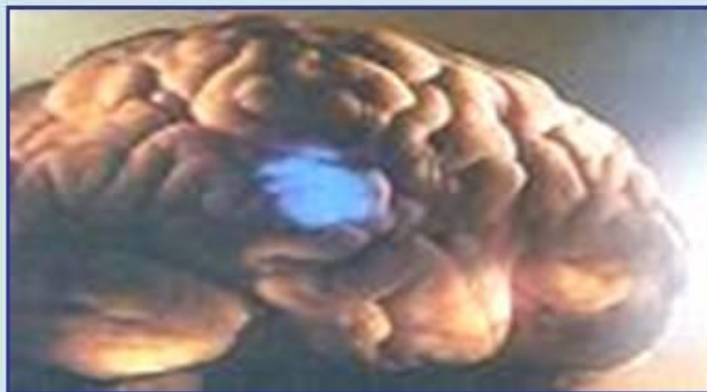
« و برای شما شنوائی و بینائیها قرار داد ».

نکته آیه: **واژه سَمْعَ (شنوائی) در آیه مفرد است ولی واژه أَبْصَارَ (بینائی) جمع است. چرا؟**

مفرد بودن سَمْعَ به این معنی است که شنوائی فقط یکی است. واقعیت هم همین است. شنوائی در مغز فقط یکی است (یعنی: یک چیز و در یکجا است). محل آن زیر قسمت آبی رنگ تصویر است. به این خاطر سَمْعَ همیشه در قرآن مفرد آمده است. (ضمن اینکه واژه سَمْعَ در زبان عربی جمع دلرد. جمع آن «سَمْعًا و سَمْعٌ» است).

و علت اینکه أَبْصَارَ (بینائیها) جمع آمده این است که محل بینائی در مغز در بیش از دو نقطه است، (در زبان عربی از سه به بالا جمع محسوب می شود). به این خاطر قرآن آنرا جمع بسته است. بینائی بخشهای ویژه درک رنگ، درک بُعد و درک تصویر دارد که جدا از هم هستند ولی در ارتباط دائمی با هم هستند و با هم کار می کنند.

نکته دیگر آیه این نیز هست که "شنوائی" و "بینائی" انسان در گوشها و چشمهای وی نیستند، بر خلاف آنچه انسان در گذشته تصور می کرد.



پرده های جنینی

علم ثابت کرده است که جنین در رحم مادر محاط به سه پرده است ، این پرده ها تنها با تشریح دقیق علمی قابل درک میشود ، وگرنه با دید چشم تنها می توان یک پرده را مشاهده کرد. این چیزی است که طب امروز به آن بی پرده است ، ولی قرآن کریم از قبل این امر را تأیید کرده است:

يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظِلْمَاتٍ ثَلَاثٍ ، ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ .

(سوره زمر-۶)

آفرید شما را در شکمهای مادرانتان آفریدنی بعد از آفریدنی در تاریکیهای سه گانه ، اینست خدای شما پروردگارتان که اوراست فرمانروایی.

در این آیه خداوندخبر داده است که جنین در سه پرده پوشیده است که آنها را بنام ظلمات (تاریکها) یاد نموده است ، چون این پرده ها طوری اند که مانع رسیدن نور و روشنی به جنین میشوند. علم امروزی هم به این حقیقت تأکید دارد این سه پرده عبارتند از :

۱- پرده آمینون ۲- پرده کوریون ۳- پرده آلانتوئید

پرده آمینون پرده ای است که از نمو سطح خارجی جنین حاصل و از اطراف توسعه پیدا میکند تا فضایی به نام حفره آمینون

در پشت جنین به وجود آورده و آنگاه در حفره آمینون مایع زلالی پدید میآورد .

پرده کوریون : خارج از پرده آمینون قرار دارد و به کمک آن جنین محفوظ میماند

پرده آلانتوئید : در ناحیه شکمی جنین است و به جذب غذا کمک میکند .



کوتاه ترین مدت بارداری

بیش از آنکه دلتش بگری آید، کنکه حامل زمان لازم برای بارداری شش ماه می باشد، قرآن مجید این مطلب را بصورت واضح و روشن بیان نموده است:

حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا

(سوره انفک - آیه ۱۵)

مادر بارنج وزحمت اورا حمل کرد و باز بادرد و مشقت اورا وضع کرد و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخوارگی بود.

و در طی دیگر میفرماید:

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ

(سوره بقره آیه ۲۳۳)

مادران باید دو سال کامل فرزندان شان را شیر دهند آنکه خواهد برای فرزندش دوران شیرخوارگی تمام کند.

بدین ترتیب اگر دوران رضاعت یا شیردهی را که دو سال تمام است از کل دوره بارداری و وضاعت کم کنیم ، شش ماه برای دوره حاملگی یا بارداری می ماند و این کمترین مدتی است که نوزاد پس از تولد می تواند زنده بماند.

امروزه طب نوین نیز به همین نتیجه رسیده است یعنی اگر چنین شش ماه در رحم مادر باشد پس از تولد زنده خواهند ماند. این چنین اطفالی را که در فاصله بین ۶-۹ ماهگی تولد شوند اطفال "زودرس" یا "Premature" می گویند و این اطفال تحت مراقبت های ویژه زنده خواهند ماند ، تولد که ترشش ماه را سقط می گویند.



مراحل آفرینش انسان:

قرآن کریم در آیات متعددی از مراحل آفرینش انسان یاد کرده است. از این آیات استفاده می‌شود که زندگی انسان ۱۵ مرحله دارد:

خاک (تراب و طین). (حج/۲۲، ۵؛ مؤمنون/۲۳، ۱۲؛ غافر/۴۰، ۶۷).

آب (ماء، ماء نافع، ماء مهین). (طریق/۹، ۸۶؛ سجده/۳۲، ۸)

منی (نطفه). (قیامت/۷۵، ۳۷)

نطفه مخلوط. (دھر/۷۶، ۲)

علقه. (مؤمنون/۲۳، ۱۴؛ حج/۲۲، ۵؛ غافر/۴۰، ۶۷)

مُضْغَة. (مؤمنون/۲۳، ۱۴؛ حج/۲۲، ۵)

تنظیم، تصویر و شکل‌گیری. (سجده/۹، ۳۲)

شکل‌گیری استخوانها. (مؤمنون/۱۴، ۲۳)

مرحله پوشاندن گوشت بر استخوانها. (مؤمنون/۲۳، ۱۴)

آفرینش جنس جنین. (قیامت/۳۹، ۷۵)

آفرینش روح یا تعیین جان در انسان و پیدایش گوش و چشم. (سجده/۳۲، ۹۶)

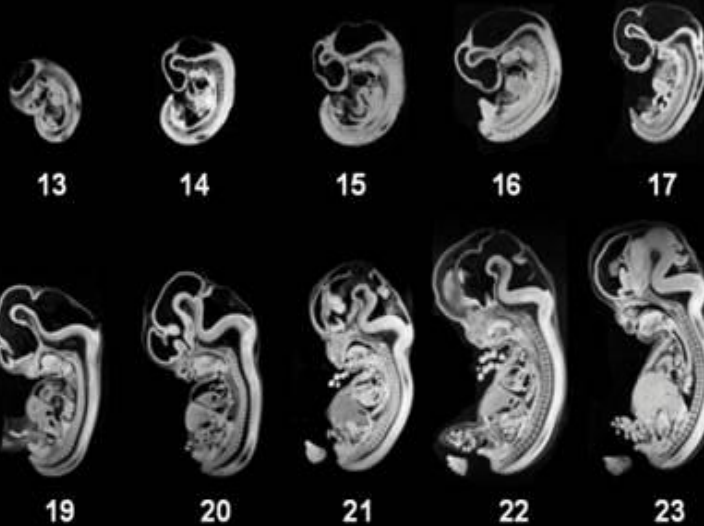
تولد طفل. (غافر/۴۰، ۶۷)

بلوغ. (حج/۲۲، ۵؛ غافر/۴۰، ۶۷)

کهنسالی. (حج/۲۲، ۵؛ غافر/۴۰، ۶۷)

مرگ. (حج/۲۲، ۵؛ غافر/۴۰، ۶۷)

MR Microscopy of Human Development



By Kyoto & Tsukuba Universities

این آیات نیز مشتمل بر برخی اشارات علمی است که برخی پزشکان را به حیرت آورده و آنها را دلیل اعجاز علمی، بلکه اعجاز بلاغی قرآن دانسته‌اند.]

هرچند بیان هر یک از این مراحل آفرینش انسان، به تنهایی نمی‌تواند دلیل مستقلاً بر اعجاز علمی قرآن باشد؛ ولی با توجه به گواهی دانشمندان بر علم آگاهی مردم عصر نزول از نظم در این مراحل، بیان و جیتش آن، نوعی رازگویی علمی است که می‌تواند اعجاز علمی قرآن به‌شمار آید

شنوائی و بینائی

کلمات **سمع** (شنیدن) و **بصر** (دیدن) در کنار یکدیگر ۱۶ مرتبه در قرآن پاک تکرار گردیده که در ۱۷ مورد کلمه **سمع** قبل از **بصر** آمده که بشر تا چندین پیش از او از وحی و حکمت این مسئله آگاه نبود.

وهو الذي انشاء لكم سمع والابصر والافتده..... (سوره نحل ۷۸)

ان السمع والبصر والفواد..... (سوره اسراء ۲۶)

وجعل لكم السمع والابصار والافتده..... (سوره نحل ۷۸)

واقعیت آنست که هر دو عضو یعنی گوش و چشم از اجزای گوناگون و همی هستند که انسان وسیله آنها میتواند با علم طرح ارتباط برقرار کند، امور ادراکی و ادراکات را در برآید. و اختیار لازم قوی داده و آنها را تشخیص. لکن در قرآن بعد از آوردن لفظ شنوائی قبل از بینائی تقریباً صورت یک ظاهر در آمده است.

یا توبه به یافته های علمی میتوان علت این امر را چنین توضیح داد:

● **سمی شنوائی در چنین قبل از بینائی فعال می شود.** دانشمندان با ارسال فریاد های صوتی طریق شن با در طری که آخرین روز های مدت بارداری را می گذراند مشاهده کردند که جنین با تنظیم حرکتی به این اصول پاسخ میدهد.

● **فرآیندی حلقی در مرحله اول از طریق شنوائی تنظیم میگردد.** بطوریکه اگر طفل تا حدودی آید یا گذر جن تکامل پیش ناممکن میباشد که این مسئله میتواند باعث عقب ماندگی عقلی و ادراکی (عقب ماندگی ذهنی) گردد. در حالی که اختلالاتی

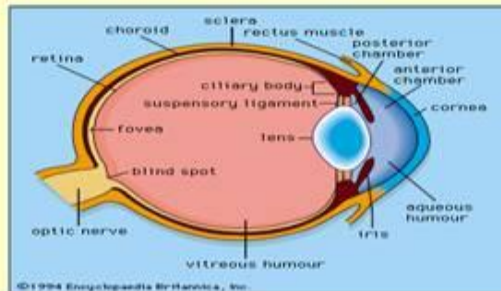
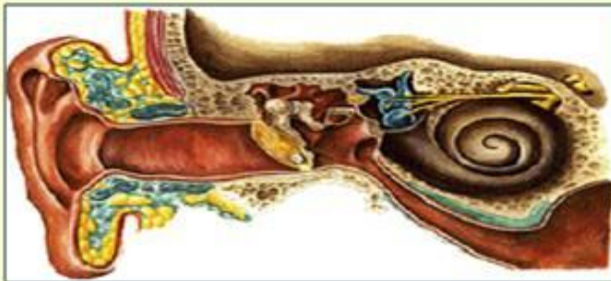
تا اینتا متولد گردیده اند ولی توانسته اند مدارج عالی علمی و کسب کنونی تولدی داشته باشد.

● **کسیکه شنوائی اش را قبل از تکامل او دست داده باشد نظیر به تکامل متولد می شود.**

● **سخن گفتن وسیله ایست برای ایجاد ارتباط با شخصان ماحول و مباحثی با محیط خارجی و توسط سخن گفتن شخص میتواند ایراد وجود کند و تا پیش از این کند اگر سیستم شنیدن ناقص باشد شخص تکلم کرده نمیتواند و این برای**

شخص خیلی در طول روزها توان کسب میکند. امروزه متخصصین معیوبت ها نوع معیوبت تاگروائی (که مبروه همراه با شنوائی میباشد) را دست تریون نوع معیوبت ها میکنند.

● **چشم مسئول بینائی است. اما گوش علاوه از شنوائی وظیفه برقراری تعادل را نیز بر عهده دارد.**



سالم ماتن جسد فرعون

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً

آیه ۹۲ سوره یونس

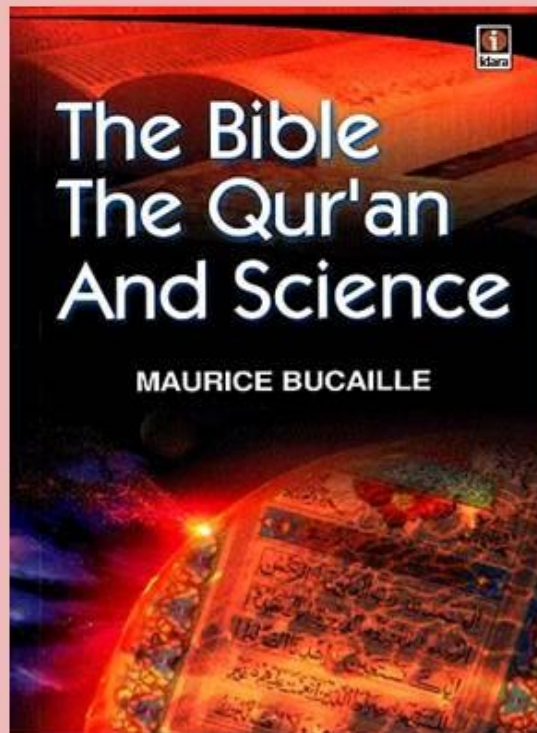
پس امروز تو را با بدن بی‌جان نجات می‌دهم [و بر بلندایی از ساحل دریا می‌گذارم] تا برای آیندگان نشانه‌ای [از قدرت ما و زبونی و خواری گردنکشان] باشی

امروزه باستان‌شناسان اجساد فراعنه را کشف کرده‌اند که از جمله آنها، فرعون زمان حضرت موسی (ع) است که در موزه مصر قرار دارد و تصویر آن در کتاب باستان‌شناسی در قرآن آمده است. این اعجاز قرآن را نشان می‌دهد که داستانش با نتیجه تحقیقات دیرین شناسان کاملاً منطبق است.



مرکز باستانشناسی فرانسه - گروه باستان شناسی به رهبری پروفیسور
(Maurice Bucaille)

بعد از این مورد پروفیسور مسلمان شد و با چهره ای کاملا متفاوت و با اعتقاد تازه ای به فرانسه بازگشت و ۱۰ سال تمام به تحقیقات بر روی مفاهیم علمی که در قرآن کریم گفته شده بود پرداخت و نتیجه ی کلیه ی تحقیقاتش را در کتابی با نام **The Bible, The Qur'an And Science** منتشر کرد.



صنعت در قرآن



الف) تکنولوژی اطلاعات

- ۱- از طریق موجودات پرنده هوایی
- ۲- فرمولهای حاکم جمع بندی اطلاعات
- ۳- محافظت اطلاعات از وحی

ب) صنایع هوایی

- ۱- حاضر کردن تخت بلقیس
- ۲- مدل گیری از پرندگان

ج) صنایع دریایی

- ۱- صنعت کشتی سازی
- ۲- تکنولوژی هدایت کشتی
- ۳- صنایع صیادی و غواصی
- ۴- صنعت شناورهای زیر دریایی
- ۵- صنعت جهانگردی و گردشگری

د) تکنولوژی بادی

- ۱- جابجایی ابرهای باران زا
- ۲- هلاکت مردم مجرم
- ۳- باردار کردن طبیعت

ه) صنایع عمرانی

- ۱- صنعت سد سازی ذوالقرنین
- ۲- تکنولوژی ایجاد راه شوسه در دیا



درشناخت قرآن از راههای زیر می توان یاری گرفت:

- ۱- مطالعه تاریخی و سند شناختی قرآن از جهت زمان، و نحوه پیدایش اثر و پدید آورنده آن.
- ۲- مطالعه به لحاظ نقش آفرینی قرآن در زندگی فردی و اجتماعی و علمی بشر، و میزان اهتمام پیروان به قرائت، حفظ، نگهداری، تقدیس و استنساخ و تکثیر آن.

تحریف ناپذیری قرآن

- تحریف کتاب آسمانی، بدین معنا است که تغییراتی به کم و زیادی یا دگرگون کردن کلمه در آن رخ دهد و این تغییرات به گونه ای انجام پذیرد که دیگر کلام الهی، به درستی قابل بازشناسی نباشد؛ و از دسترس بشر خارج گردد و یا چیزی به عنوان کلام خدا شناخته شود که سخن او نیست.
- ✓ خداوند در قرآن کریم بر حفاظت از قرآن تاکید فرموده است:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر/۹)

بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود

✓ دلایل روایی:

در میان روایات دلایلی که درباره اثبات مصونیت اشاره شده است:

الف- حدیث ثقلین

ب- روایات پرشمار که قرآن را مرجع و محک بازشناسی آراء و تمایلات و جریانهای حق و باطل می داند.

ج- در روایاتی ضرورت محک زدن روایات با قرآن و کنارگذاشتن روایات مخالف قرآن را مورد تاکید قرار می دهند.



✓ شواهد تاریخی:

در تاریخ عدم تحریف قرآن، اموری چند مطرح است:

- ۱- حافظه شگرف عرب معاصر قرآن و علاقه مفرط آنان به حفظ و قرائت قرآن به سبب فصاحت و بلاغت و آهنگ خارق العاده آن.
- ۲- انس فراوان مسلمانان با قرآن و حفظ و تلاوت آنان
- ۳- تقدس قرآن نزد مسلمانان و حساس بودن آنان نسبت به هرگونه تغییر در آن.
- ۴- دستورها و توصیه های ویژه پیامبر درباره تلاوت، کتابت، حفظ و جمع آوری قرآن
- ۵- مسئله تحریف نشدن قرآن در ضمن انتقادهایی که از سوی صحابه و ائمه اهل بیت به زمامداران پس از رسول خدا شده است.

دلایل خاتمیت پیامبر اسلام(ص)

خاتمیت از موضوعاتی است که اثبات آن نیاز به دلیل نقلی دارد و عقل تنها می تواند آن را توجیه و درک کند و خود به تنهایی قادر نیست که بر لزوم آن استدلال کند. بنابراین بهترین راه پرداختن به دلیل نقلی خاتمیت و سپس بررسی درک عقلی آن است.

خاتمیت رسول گرامی اسلام دلایل فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

- ۱- آیه شریفه «ماکان محمداً ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین» (احزاب/۴۰)
- «خاتم النبیین» اشاره به این دارد که پیامبر عالی قدر اسلام خاتم پیامبران است

- ۲- دین مقدس اسلام، کاملترین ادیان آسمانی است و از هر نظر، کوچکترین نقصی در آن وجود ندارد و از سوی دیگر هر پیامبری که به رسالت مبعوث می شد برای رفع نواقص دین قبلی می آمد. پس به قضاوت عقل، احتیاجی به مبعوث شدن پیامبر دیگری نیست. بنابراین نمی توان تصور کرد که اگر پیامبر دیگری می آمد احکام و برنامه ای می آورد که بهتر، یا لااقل، متمم و مکمل دین مقدس اسلام باشد و گواه بر این که این دین مقدس از هر نظر، نقص و کمبودی ندارد آیه ۸۹ سوره نحل است که می فرماید:

- «و نزلنا علیک الکتب تبیاناً لکل شیء؛

- ما کتاب (قرآن) را برای تو نازل کرده ایم که هر چیزی را برای جهانیان بیان می کند.»

- دومین گواه بر این موضوع، قسمتی از آیه ۳۸ سوره انعام که می فرماید:

- «ما فرطنا فی الکتاب؛ ما راجع به کتاب (یعنی قرآن) هیچ کوتاهی نکرده ایم و این قرآن، هیچ

گونه نقص و کمبودی ندارد.»

- ۳- احادیث فراوانی از طریق شیعه و اهل سنت در اثبات خاتمیت رسول گرامی اسلام نقل شده است که به یک مورد به عنوان نمونه ای از خروار اشاره می کنیم: پیامبر عالی قدر اسلام(ص) به علی ابن ابیطالب(ع) می فرماید:
• «انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانبی بعدی؛
- یا علی! تو برای من به منزله هارون هستی برای موسی (چرا که هارون وصی و خلیفه حضرت موسی بود) فقط تفاوتی که در کار است این است که بعد از موسی پیامبر آمد ولی بعد از من پیامبری نخواهد آمد.»

• درک عقلانی خاتمیت:

برای توجیه عقلانی این سوال لازم است ابتدا علل تجدید نبوت ها را برشماریم:

۱. کامل نبودن ادیان قبلی: اولین علت تجدید نبوت ها کامل نبودن ادیان قبلی می تواند باشد. چون بشر اولی در ابتدا راه بوده، قوانین و معارف درخور همان مرحله برای آنها فرستاده شده و در دوره های بعد کامل تر شد تا می رسد به دین اسلام که کاملترین دین و قوانین از طریق قرآن به بشریت عرضه شده است. البته آن هم با بودن امام و امامت در کنار قرآن «الیوم اکملت دینکم» و در حدیث هم چنین می خوانیم که پیامبر اسلام (ص) فرمود:

• «مثل من در مقایسه با انبیاء همانند مردی است که بنایی بسیار زیبا و جالب می سازد، مردم گرد آن بگردند و بگویند: بنایی زیباتر از این نیست جز این که جای یک خشت آن خالی است و من همان خشت آخرین (دین) می باشم»

- ۲. عقب ماندگی مردم: گاهی علت تجدید نبوت ها عقب ماندگی مردم، و عدم توان بهره برداری از شریعت موجود بوده است.
- ۳. تحریف کتب: یکی از علت های تجدید نبوت ها و خاتم قرار نگرفتن ادیان قبلی، تحریف کتب ادیان گذشته بوده، که بشر آن وقت نتوانستند کتبشان را از دسترس محرفین به دور نگه دارند، لهذا می بینید هر یک از پیغمبران گذشته با هر کتابی در هر زمانی که آمد، کتابش از میان رفت، بشر چون بالغ و رشید نبود نتوانست کتاب آسمانی خود را حفظ کند.
- کجاست صحف ابراهیم؟ کجاست تورات واقعی؟ کجاست انجیل واقعی؟ کجاست آن چه بر نوح نازل شد؟ کجاست اوستای اصلی و تعلیمات واقعی زرتشت؟

تأثیر اسلام در پیشرفت تمدن اسلامی

یک . تشویق اسلام به فراگیری علم

- در قلمرو صنعت کاغذ، شیمی، صنعت، ریاضی، پزشکی

دو. بسط عدالت

- عدالت در داورى، در برابر قانون، حوزه اقتصاد، امور معنوی و مادی

سه. مدارا و همزیستی مسالمت آمیز

امامت و رهبری



دانشجو در این بخش در موضوعات زیر اندیشه ورزی می کند:

◊ امامت در اسلام استمرار نبوت

◊ ولایت و خلافت در اسلام

◊ ولایت معنوی و عرفانی

◊ خورشید پنهان

◊ حاکمیت و رهبری در زمان غیبت



خطبه دوم نهج البلاغه

- ♦.....راز رسول الله (صلى الله عليه و آله) بدانها سپرده شد و آنان پناهگاه دستورات و مخزن علوم حضرتش بودند. ایشان بیان کننده احکام دین و نگهبان کتاب و سنت و مانند کوهها استوار کننده دینش بودند. خمیدگی پشت دین او به یاری اهل بیت گرامش راست گردید و دلهره‌ای که دین از بیم شکست داشت به کمک آن بزرگواران برطرف شد.
- ♦ کسانی که فسق و فجور را کاشتند و با غرور و نیرنگ آبیاری کردند و در نتیجه بد بختی و هلاکت را درو نمودند. هیچکس از این گروه را نمی‌توان با آل محمد (علیهم السلام) مقایسه کرد و افرادی که همواره از نعمت وجود ایشان استفاده کردند با آن بزرگواران برابر نیستند.
- ♦ بی شک اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) اساس دین و پایه ایمان و یقین هستند. آنهایی که در دین غلو می‌کنند و از حد می‌گذرند، برای نجات از نابودی به ایشان مراجعه می‌کنند و آنهایی که عقب مانده‌اند و شأن و منزلت امامان معصوم (علیهم السلام) را پایین آورده‌اند، برای نجات از گمراهی به ایشان رجوع می‌نمایند. حق ولایت و امامت خاص ایشان است، وصایت و میراث رسول خدا (صلى الله عليه و آله) متعلق به آنهاست.

امام در لغت به معنای پیشوا، پیشرو، سرپرست و مقتدا آمده است.

امام در نزد عرب، چیزی است که پیروی و اطاعت می شود، اعم از اینکه آن چیز، انسان باشد یا کتاب، به حق باشد یا به باطل.

امامت در اصطلاح متکلمان:

((پیشوایی و ریاست عامه دینی بر امت مسلمان در امور دنیوی و دینی، که به جانشینی پیامبر اعظم (ص) و برای حفظ شریعت و تداوم الهی است.))



وظائف پیامبر (ص)

- ١- رسالت (ابلاغ وحی و تبیین آن)
- وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمْ (نحل/٦٤)
- ٢- مرجعیت دینی (تفصیل و تفسیر وحی)
- وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا (حشر/٧)
- ٣- ولایت سیاسی اجتماعی
- النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ (احزاب/٦)
- إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ (مائده/٥٥)
- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ (نساء/٥٩)
- ٤- ولایت معنوی عرفانی
- إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (بقره/٣٠)
- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب/٢١)

◇ پس از پیامبر صل الله علیه وآله:

◇ با رحلت پیامبر اسلام و انقطاع وحی و ختم رسالت این سوال جدی مطرح است که تکلیف سه مسئولیت دیگر حضرت چه می شود؟

◇ در پاسخ به این سوال دو دیدگاه شکل گرفت:

- ◇ ۱- دیدگاه اکثریت: (اهل سنت) وحی قرآن و بیان پیامبر را کافی می دانست و بعد از پیامبر برای کسی شأن مرجعیت معصومانه قائل نبود و پیامبر کسی را برای اجرای دین در نظر نگرفته است
- ◇ ۲- دیدگاه اقلیت: (شیعه) بر این عقیده بود که سه سمت یاد شده باقی است و پیامبر جانشینانی دارد که آن سه منصب را عهده دارند.

دیدگاه اهل سنت در باره مرجعیت دینی

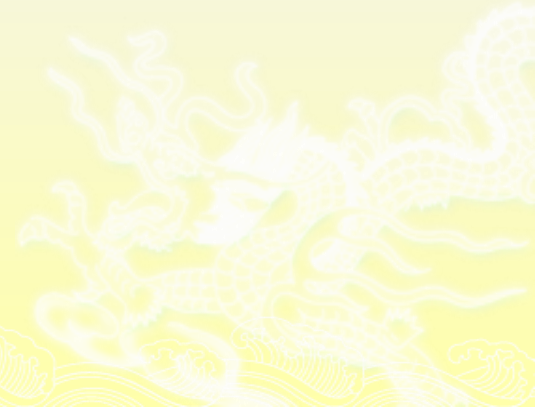
- ◇ بعد از وفات پیامبر به تدریج این اندیشه که صحابه پیامبر در تفسیر دین از صلاحیت برخوردارند و وظیفه صیانت از دین برعهده آنان است قوت گرفت. و صحابه یک نوع مصونیت دینی پیدا کردند که هر عملی را مرتکب شوند غیر صحابی حق کمترین اعتراض و مواخذه را در مورد صحابی نخواهد داشت و این امتیاز دینی یک روح استبداد عجیبی را در صحابه می آفرید. مثلاً کعب الاحبار یهودی الاصل مرجع علمی در زمان خلیفه سوم می شود.
- ◇ علاوه بر این سیاست ممنوعیت نقل حدیث که تا ۱۰۰ سال از طرف خلفاء و امویین برای جلوگیری از آمیختن حدیث با قرآن و پیشگیری از اختلاف مسلمانان اجرا شد .

آثار ممنوعیت نقل حدیث

- ۱- یک رشته احادیث مجعول یا ضعیف جزء احادیث مقبول شمرده شد و خرافات بسیاری وارد معارف اسلامی گردید.
- ۲- در اثر ممنوع بودن کتابت و تألیف مقدار قابل توجهی از حدیث به دست فراموشی سپرده شد و مقدار زیادی را نیز که موافق امیال حکومت‌های وقت نبود محدثین از ترس جان پنهان نمودند
- ۳- بسیار شگفت آور است این همه تظاهر در صدر اسلام و ترویج اصول و فروع اسلام اما روایاتی که از آنان در کتب حدیثی به جا مانده از چند صد روایت فقهی تجاوز نمی‌کند و این امر سبب پیدایش فتاوا و آرا مختلف متناقض زیادی در میان مسلمانان باشیم.

تعداد احادیثی که از بعض صحابه پیامبر در کتاب مسند احمد بن حنبل نقل شده :

- | | |
|-----------|------------------------------------|
| ۷۷ حدیث | ۱ - خلیفه اول (ابوبکر): |
| ۳۰۰ حدیث | ۲ - خلیفه دوم (عمر): |
| ۱۵۳ حدیث | ۳ - خلیفه سوم (عثمان): |
| ۷۸۰ حدیث | ۴ - خلیفه چهارم (علی علیه السلام): |
| ۲۲ حدیث | ۵ - طلحه : |
| ۳۱ حدیث | ۶ - زبیر: |
| ۳۷۴۱ حدیث | ۷ - ابوهریره: |



دیدگاه اهل سنت در مورد ولایت و رهبری

- ◊ اهل سنت معتقدند که حق ولایت و حاکمیت را خداوند متعال به پیامبر واگذار کرده است اما بعد از ارتحال پیامبر برای این مسأله تدبیری اندیشیده نشده است.
- ◊ اصولاً مسأله خلافت پیامبر برای رهبری سیاسی مسأله حایز اهمیتی نیست. و صرفاً شأنی جز مقام حکومتی ندارد.
- ◊ خلیفه از مقام و منزلت قدسی برخوردار نیست و چون حکومت یک وظیفه مردمی است همه امور حکومت از مبدأ شکل گیری تا رفتار و عملکرد آن از حوزه فقه پا بیرون نمی گذارد. بنابراین امامت یک **امر فقهی** بوده و وظیفه مکلفین است که برای خود امام و سلطان نصب کنند بنابراین امامت یک **امر انتخابی** است

اهمال نص

- ◊ از نظر اهل سنت مسأله خلافت دارای چنان اهمیتی که حتی نیاز به بیان دین و پیامبر داشته باشد نیست.
- ◊ پیامبر فرموده : انتم اعلم بشئون دنیاکم.
- ◊ عدم بیان پیامبر اکرم از آن رو است که وی آن را به صاحب نظران واگذار کرده است. نه آن که در این مسأله اهمالی صورت گرفته باشد.
- ◊ گروهی نیز بر این باورند که چون حکومت در زمان های مختلف شکل های گوناگونی می پذیرد پیامبر صلاح امت خود را در این دیده است که امر حکومت را به مردم واگذارد تا مطابق مقتضیات زمان خود نظامی سازگار با روحیات و وضعیت اجتماعی خود برگزیند.

نقد مسأله

- ◇ صرف نظر از این مسأله مهم که تئوری اهمال نص به هیچ وجه در زمان خلفای راشدین مطرح نبوده و در قرن های بعد متفکرین اهل سنت آن را ابداع کرده اند ادله و شواهد فراوانی بر تضعیف این نظریه (اهمال نص) وجود دارد:
- ◇ ۱- عمق روحيات قبیله گرایی و تعصبات قومی
- ◇ ۲- توطئه هایی که از ناحیه دشمنان خارجی و ابرقدرتهای آن عصر وجود داشته
- ◇ ۳- دولت جامعه اسلامی نوپاست و توجه پیامبر به حفظ وحدت
- ◇ ۴- تحریکات قبایل عرب در گوشه و کنار
- ◇ ۵- ظهور مدعیان دروغین نبوت
- ◇ ۶- گسترش حرکت های ارتداد آمیز
- ◇ ۷- مواجهه سریع و اجتناب ناپذیر اسلام با فرهنگ های ایرانی مسیحی و یونانی
- ◇ ۸- سیره پیامبر در بعد حکومت که یک روز مدینه و حتی سپاه را بدون حاکم و فرمانده رها نمی کرد
- ◇ ۹- منافقین در کمین لحظه ای بودند تا ضربه ای کاری به اسلام وارد کنند.

تأملی چند؟!!

- ♦ اولاً مسأله خلافت بعد از پیامبر بسیار مهم و سرنوشت ساز بوده و اگر انحرافی در این جا رخ دهد تا آخر مسیر اسلام منحرف خواهد شد.
- ♦ ثانیاً خدا و پیامبر هیچ اهمال نصی نکرده اند و خلیفه و جانشین را دقیقاً تعیین کرده اند
- ♦ ثالثاً غیر از ادله نقلی فراوان دلیل عقلی محکمی نیز وجود دارد که مسأله خلافت بعد از پیامبر را روشن می سازد.
- ♦ رابعاً جانشین پیامبر شدن شرایط خاصی را می طلبد و هرکس آن شرایط را نداشت لیاقت منصب ولایت را ندارد.
- ♦ خامساً از آنجا که بزرگترین اشتباه در استقرار مرکز قدرت و مسیر خلافت صورت گرفته بود به تدریج خلافت به سلطنت و حکومت اسلامی به امپراتوری تبدیل شد.

دیدگاه مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

- ❖ مکتب اهل بیت براین باور است که امر تفسیر و تبیین و بیان فروع دین بعد از پیامبر اسلام با همان کم و کیف بر عهده امامان است. امامان معصوم همان عالمانی هستند که علم خود را وامدار کسب و اجتهاد نیستند بلکه از علم لدنی برخوردارند که نوعی ارتباط خاص است.
- ❖ به اعتقاد شیعه امامت یک **منصب الهی** است بنابراین یک بحث **کلامی** است نه فقهی لذا نیازمند به اعتقاد و ایمان به امامت و امامان می باشد نه به عنوان تکلیف و وظیفه انتخاب امام .
- ❖ در دیدگاه شیعه تمام وظایف پیامبر به امام منتقل شده و رمز بقاء اسلام در سایه استمرار وظایف نبوت نهفته است.

لحظه ای تدبر در قرآن

۱- جهان بینی توحیدی:

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ (بقره/۲۸۴)

﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَإِنَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ﴾ (شوری/۹)

۲- نشانه پذیرش ولایت خدا در عرصه عمل تن دادن به احکام او است.

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ (فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ - فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ - فَأُولَئِكَ هُمُ
الْفَاسِقُونَ) (مائده/۴۴ و ۴۵ و ۴۷)

۳- اجرای قانون در مورد دیگران در صلاحیت کسانی است که از حق فرمانروایی برخوردار باشند.

﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾ (ص/۲۶)

۴- خداوند گرچه دارای حق حاکمیت برای همگان است اما انسانها را مجبور به پذیرش ولایت خود نکرده است.

◊ ولایت حقیقی از آن خداوند است و تنها کسانی که از ناحیه خدا مأذونند حق تصرف در امر مردم و اعمال ولایت دارند. به حکم عقل جای تردید نیست که باحضور افرادی به لحاظ فضایل عملی و اخلاقی در اوج قرار دارند ولایت افراد دیگر مورد رضایت خداوند نباشد.

مستندات امامت و ولايت الهى

- ١- آيه: **وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره/١٢٤)**
- ٢- آيه: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء/٥٩)**
- ٣- آيه: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده/٥٥)**
- ٤- حديث ثقلين: **«انى تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتى اهل بيتى فانهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض»**
- ٥- حديث يوم غدیر
- ٦- احاديث معروفى مثل حديث يوم الدار (يوم الانذار) حديث سفينه نوح ، حديث منزلت

....

سوالاتی که هنوز پاسخ روشنی از مخالفین امامت الهی دریافت نکرده است؟

- ۱- ۱۲ امامی که پیامبر(ص) فرمودند چه کسانیند؟
- ۲- طبق آیه انذار و داستان یوم الدار آن کسی که به عنوان وصی و وزیر پیامبر(ص) بود چه کسی بود؟
- ۳- طبق حدیث « من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» چرا پیامبر(ص) معرفت امام را مطرح فرمودند نه انتخاب امام؟
- ۴- اگر بنا بر انتخاب امام باشد چه لزومی دارد که از امام منتخب آنهم در زمان گذشته دفاع کنیم.
- ۵- اگر در واقع امام منصوب از جانب خدا باشد در این صورت دفع ضرر محتمل عقلا واجب است

معرفت امام



حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةَ

کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد،
در واقع به مرگ جاهلیت مرده است.

وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶



دعای زمان غیبت

شیخ کلینے و غیر او از حضرت صادق (علیہ السلام) روایت کرده اند: کہ این دعا را تعلیم زرارہ فرمود کہ در زمان غیبت و امتحان شیعه بخوانند:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي
نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ،
فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ
حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ
تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، صَلَّاتُ عَنِّي دِينِي.

خدایا خود را به من بشناسان، زیرا اگر خود را به من
نشناسانے فرستاده ات را نشناخته ام، خدایا فرستاده
ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده ات را به من
نشناسانے حجّتت را نشناخته ام، خدایا حجّتت را به
من بشناسان، زیرا اگر حجّتت را به من نشناسانے، از
دین خود گمراه می شوم.

ویژگیهای امام در قرآن

- ۱- بهره مندی از وحی تسدیدى:
«وَجَعَلْنَا لَهُمْ آيَاتٍ أَنْبَاءً يُهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ». (انبیاء/۷۳)
- ۲- هدایت الهی و افضلیت:
«أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى» (یونس/۳۵)
- ۳- علم ، صبر و استقامت، یقین
«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ آيَاتٍ أَنْبَاءً يُهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده/۲۴)
- ۴- عصمت ، انتصاب الهی
«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۲۴)

◆ در موضوع امامت ، عقل به همین مقدار حکم می کند که معرفی ، نصب و وجود راهنمایی الهی برای بشر حسن و لازم است و لذا خداوند برای حفظ هدفمندی و به کمال رساندن انسان ها، حتماً چنین راهنمایی را می فرستد، اما تشخیص و تطبیق امام بر مصادیق خارجی و توصیف و شناسایی او ، کار عقل صرف نیست پس باید در کنار ادله عقلی ، به ادله نقلی (قرآنی و روایی) نیز توجه کرد و برای شناخت امام به خصوص منجی موعود- به کتاب و سنت پیامبر(ص) و نیز به کرامات شخص مدعی منصب امامت مراجعه کرد.



راه اثبات امامت

◆ هیچ راهی برای اثبات امامت، جز «نص» و «معجزه» وجود ندارد؛ زیرا در جای خود ثابت شده که عصمت از جمله شرایط امامت است، که اگر امام معصوم نباشد، هدف از نصب او تحقق نمی‌یابد. لذا بر خداوند است که امام معصوم را با یکی از دو راه به مردم معرفی کند:

۱. به وسیله پیغمبر (ص) یا امام پیشین؛

۲. به وسیله معجزه‌ای که به دست او انجام شود.

بخشی از روایات متواتر به طور خاص بر امامت آن حضرت دلالت دارند. درباره معجزات و کرامات مولا صاحب الزمان (ع) نیز احادیث بسیار وارد شده است که می‌توان در آثاری چون: «کمال الدین و تمام النعمه» شیخ صدوق، «الخرائج» راوندی، «بحار الانوار» علامه مجلسی و «النجم الثاقب» میرزا حسین نوری به آنها دست یافت.

◆ معرفت امام زمان (ع) نیز چون برخی دیگر از معرفت‌ها از دو طریق حاصل می‌شود:

◆ الف) معرفت اکتسابی

◆ یکی از راه‌های پی بردن به مراتب و مقامات بلند امامان معصوم شیعه به طور کلی و امام عصر (عج) به طور خاص، مطالعه و تأمل در کتاب‌ها و مقاله‌هایی است که در این زمینه نگاشته شده است. همچنین خواندن زیارت جامعه کبیره و تأمل و تدبیر در اوصافی که در این زیارت برای ائمه معصومین (عج) نقل شده، در حصول معرفت نسبت به مقام و جایگاه امام در هستی بسیار مؤثر است.

◆ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لَخَلَقْنَا وَطَهَّرَهُ لَأَنْفُسِنَا وَتَزَكِيَّةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا .



◆ (ب) معرفت اعطایی

◆ در آموزه‌های اسلامی بر تأثیر پرهیزکاری و انجام اعمال شایسته در حصول معرفت راستین و نهادینه شدن آن در وجود آدمی بسیار تأکید شده است. بر اساس این آموزه‌ها انسان می‌تواند با عمل کردن به آموخته‌های خود، مرزهای دانایی اش را گسترش دهد و به آنچه نمی‌داند دست یابد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا. (انفال / ۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد.

◆ و در جایی دیگر می‌فرماید:

إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ. (فاطر / ۱۰)

سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد.

منابع بیشتر برای مطالعه

- ۱- الکافی، ج ۱، کتاب الحجة،
- ۲- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ع)، ابو جعفر محمد بن حسن صفار قمی
- ۳- لطف الله صافی گلپایگانی، معرفت حجت خدا شرح دعای اللهم عرفنی نفسک
- ۴- امام شناسی، علامه تهرانی
- ۵- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، نوشته‌ی رسول جعفریان
- ۶- امامان شیعه و جنبش های مکتبی، محمدتقی مدرسی، ترجمه حمیدرضا آژیر
- ۷- آنگاه که هدایت شدم، تیجانی
- ۸- سیره‌ی پیشوایان، مهدی پیشوائی
- ۹- امامت و ولایت در قرآن، آیت الله مکارم شیرازی
- ۱۰- امامت و رهبری در اسلام، شهید مطهری

خورشید پنهان



خورشید پنهان

حضرت مهدی

نفع بردن از من در زمان غیبتم مانند
نفع بردن از خورشید است هنگامی که
ابرها او را از دیدگان پنهان می نمایند



ProfileGram.IR

◇ اندیشه مهدویت و ظهور منجی بزرگ ، یکی از اصیل ترین اندیشه های اسلامی است و بنیانگذار آن پیامبر اکرم (ص) است . آن حضرت خود عقیده ظهور را در جدول عقاید اسلامی قرار داد و به همین جهت این موضوع به طور یکسان در منابع شیعه و سنی منعکس گردیده است. اهل بیت پیامبر (ص) نیز این اندیشه و اعتقاد را در جامعه اسلامی تبیین و ترویج کرده اند. اما می توان ادعا کرد که هیچ مسأله اسلامی، همانند عقیده مهدویت و ظهور، از قطعیت و سابقه تاریخی برخوردار نیست.

◇ بنابراین دارای ادله تاریخی ، فلسفی و عقلی و براساس پیشگویی های غیبی ادیان و ... است. از آنجا که درک کلیات بر عهده عقل و درک مصادیق و جزئیات، در حوزه حواس پنجگانه است. طبیعتاً برای اثبات امور جزئی ، برهانهای عقلی اقامه نمی شود.

◆ متکلمین برای اثبات وجود حضرت مهدی به دلایل مختلفی استدلال می کنند، از قبیل:

➤ برهان لطف

➤ برهان عنایت

➤ برهان فطرت

➤ برهان واسطه فیض الهی

➤ برهان علت غایی

➤ برهان امکان اشرف

➤ برهان مظهر جامع

➤ برهان تجلی اعظم و

◆ در اینجا فقط به **برهان لطف** اشاره می کنیم



♦ متکلمان **لطف** را بر خداوند، واجب می دانند؛ زیرا او بندگان خود را عبث و بیهوده نیافریده و راه رسیدن به هدف را بر ایشان هموار می سازد. این قاعده ایجاب می کند که در میان جامعه امامی باشد تا محور حق بوده و جامعه را از خطای مطلق بازدارد و آنان را به سعادت حقیقی هدایت کند. امثال از دستورات و اطاعت انسان ها از تکالیفی که خداوند بر بندگان واجب داشته، بدون انجام دادن اموری از جانب خداوند (مثل نصب امام معصوم، وعده و وعید و ...) محقق نمی شود و خدای حکیم حتماً این امور را انجام می دهد تا نقض غرض در تکلیف لازم نیاید و این به دست امام صورت می گیرد.

♦ شیخ شهاب الدین سهروردی در اثبات وجود **حضرت ولی عصر(ع)** از طریق **قاعده لطف** می گوید:

♦ در جهان هیچ گاه از حکمت و از وجود کسی که قائم به حکمت باشد و نشانه های خداوند نیز در او باشد، خالی نبوده است. این چنین کسی خلیفه خداست در زمین و تا زمین و آسمان برپاست چنین خواهد بود ... پس در هر زمان اگر چنین شخص باشد که خدایی و نمونه کامل علم و عمل است، ریاست جامعه با اوست و او خلیفه خداوند در روی زمین است و زمین هیچ گاه از چنین انسانی خالی نخواهد بود... اینکه می گوییم ریاست با اوست، مقصود الزام حکومت ظاهری او نیست؛ بلکه گاه امام خدایی، حکومت تشکیل می دهد و آشکار است و مبسوط الید و گاه در نهایت پنهانی (غیبت) به سر می برد. این امام همان کسی است که مردم او را قطب زمان «ولی عصر» می نامند. ریاست جامعه با این انسان است؛ اگر چه نشانی از او در دست نباشد. البته اگر این رئیس ظاهر باشد و در راس حکومت قرار گیرد، زمان نورانی خواهد شد.

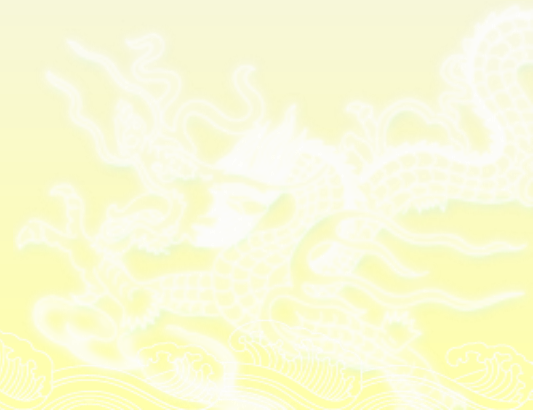
حکمت غیبت حضرت صاحب الامر رحمة الله عليه



- ۱- تنبیه شیعه و آگاهی و بیداری ایشان تا آنکه به بلوغ لازم برای دانستن و پذیرفتن رهبری معصوم رسیده باشد.
- ۲- امتحان دولت ها و گروهها تا اینکه همه به عجز و ناتوانی خود اعتراف نموده و سر در اطاعت ولی الله ساینند
- ۳- غربال همه مدعیان دوستی و تشیع اهل بیت با طولانی و مشکل شدن دوران غیبت تا زبدگان و خواص برای یاری حضرت انتخاب و برگزیده شوند
- ۴- حفظ امام از ستمگران و ظالمان و داشتن امتیاز انحصاری عدم بیعت با هیچ طاغوتی توسط وجود امام عصر
- ۵- ظاهراً خداوند متعال با ختم نبوت روش هدایتی بندگان خود را یکبار عوض کرد و نیز با امر غیبت یک بار دیگر آن را تغییر داده است.
- ۶- آماده شدن استعداد جهانی و اینکه همه مضطر شوند تا خداوند دعای آنها را اجابت نموده و با ظهور ولی خود گره از کار فرو بسته همه مستضعفین دنیا بگشاید.

- ۱- عدم آمادگی لازم شیعیان و ضعف مادی و معنوی آنها
- ۲- عدم معرفت کافی نسبت به امام زمان
- ۳- عدم درک ضرورت و استیصال نسبت به نیاز به ولی خدا
- ۴- وجود مدعیان دروغین مهدویت یا نیابت خاص
- ۵- غلبه فساد در مردم جهان و غفلت ناشی از آن
- ۶- قلت خوبان ناب و عدم خلوص منتظران
- ۷- کمی دعا برای فرج که ناشی از کمبود روح انتظار است.
- ۸- تعیین وقت از طرف افراد جاهل یا مغرض برای ظهور

موانع ظهور





عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْ تَنْتَظِرَ الْفَرَجَ

المحارج ٥٢ - ص ١٢٥



www.m-mahdi.com

[/AlimamAlmahdi](https://www.facebook.com/AlimamAlmahdi)

[/Alimam.Almahdi.Center](https://www.facebook.com/Alimam.Almahdi.Center)

[Alimam.Almahdi.Center](https://www.instagram.com/Alimam.Almahdi.Center)

انتظار فرج



♦ انتظار فرج در اسلام در واقع نوعی آمادگی برای پاک شدن ، پاک زیستن ، آمادگی برای حرکتی مستمر و دائم ، توأم با خودسازی و دگرسازی و زمینه سازی و سرانجام آمادگی برای تهیه قوا برای شرکت در نهضت عظیم مهدوی که آغاز آن ظهور حضرت و پایان آن شکست تاریکی ها و ظلم ها و نتیجه ی آن برپایی حکومت عدل الهی و نهضت سبز مهدوی علیه السلام است

♦ **يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيمَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه/۳۲-۳۳)**

♦ **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور/۵۵) (غافر/۵۱)**

♦ **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبياء/۱۰۵)**

♦ **الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَبِاللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج/۴۱)**

رجعت

- ◇ رجعت یعنی آنکه بعد از ظهور حضرت مهدی عده ای از پاکان و نیکان ، حیاتی دوباره یافته و زنده می شوند و از زندگی شیرین بهره می برند زیرا بعد از ظهور آن حضرت حکومت جهانی اسلام تا روز قیامت در خاندان نبوت که زنده می شوند خواهد بود و به اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد
- ◇ با استفاده از قرآن و سنت و اجماع فقها و عقل لزوم رجعت و اعتقاد به آن استفاده می شود.



مبانی تفکر شیعه = فلسفه ظهور

- ۱- تشکیل حکومت الله
- ۲- ظلم ستیزی و عدالت خواهی
- ۳- تشکیل امت واحده
- ۴- شکل گیری مدینه فاضله (براساس عدالت و ایثار)
- ۵- رفاه و آسایش و امنیت برای همه انسانها (در سایه عدالت و رشد علم)



آثار و دستاوردهای حکومت امام زمان (عج) از دیدگاه امام علی (ع)

۱- اصول‌گرایی:

از مهم‌ترین ره‌آورد نظام دوران ظهور این است که به پایه و رشته‌ها و ساختن انسان بیشتر توجه می‌شود و آثار بعدی نیز بر همین پایه‌ها استوار است.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى، و يعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى» (خطبه ۱۳۸)؛

۲- امام زمان و زنده کردن اسلام و قرآن

از مهم‌ترین دستاوردها و آثار حکومت امام زمان، زنده شدن اسلام، قرآن و سنت است، چنان که امام علی (ع) فرمود: «و يحيى ميّت الكتاب و السنّه» (خطبه ۱۳۸)

۳- استقرار عدالت فراگیر:

از دیگر مهم‌ترین ره‌آورد حکومت حضرت مهدی (عج) که آرزوی تمامی انسان‌ها است، استقرار عدالت جهانی و گسترده است، که در روایات متواتره نیز به عنوان مهم‌ترین دست‌آورد قیام آن حضرت «الذی یملا الارض عدلاً و قسطاً» ذکر شده است.

و امام علی (ع) هم می‌فرماید: «فیریکم عدل السیره (خطبه ۱۵۰)؛

۴- مجازات فاسدان:

قطعاً برای برپایی حکومت عدل، جلوگیری از فساد و مفسدان و تخلف متخلفان لازم و ضروری می‌نماید، لذا مولا علی (ع) می‌فرماید: «و سیاتی غدّ بما لاتعرفون یاخذ الوالی من غیرها عمّا لها علی قساوی اعمالها؛ و فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست (و زمامداری حکومت می‌کند که غیر از حاکمان امروزی است او حضرت مهدی است) که عمال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد.»

۵- آزادی و آزادی:

از دیگر ره‌آورد دوران ظهور و حکومت عادلانه حضرت مهدی (ع) آزادی انسان‌ها از بردگی و ستمگری است، بشری که در طول تاریخ ستم‌ها و ظلم‌ها، آزادی واقعی او را سلب کرده و او را به بردگی و بندگی کشیده است در آن دوران به آزادی واقعی و مشروع و دلخواه خود خواهد رسید.

حضرت علی (ع) در این باره فرمود: «...لیحل فیها ربقاً و یعتق رقاً (خطبه ۱۵۰)؛ مهدی بر سیره صالحان رفتار می‌کند، تا گره‌ها را بگشاید، و بردگان (و ملت‌های اسیر و رنج دیده و ستم کشیده) را آزاد سازد.»

۶- وحدت واقعی:

با توسعه عدالت اجتماعی در زیر سایه قرآن و سنت محمدی، و فراهم شدن زمینه آزادی واقعی و برجیده شدن تبعیض‌ها، خودبه‌خود جامعه به سوی وحدت و اتحاد قدم برخواهد داشت.

امیرمؤمنان (ع) که خود برای وحدت و اتحاد جامعه اسلامی فداکاری‌ها نمود، از خلافت و حق خود گذشت و سکوت تلخ چند ساله را تحمل نمود، می‌فرماید: «و یصرع شعباً و یشعب صدعاً (خطبه ۱۳۸)؛ جمعیت گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جویان پراکنده را جمع آوری می‌کند»

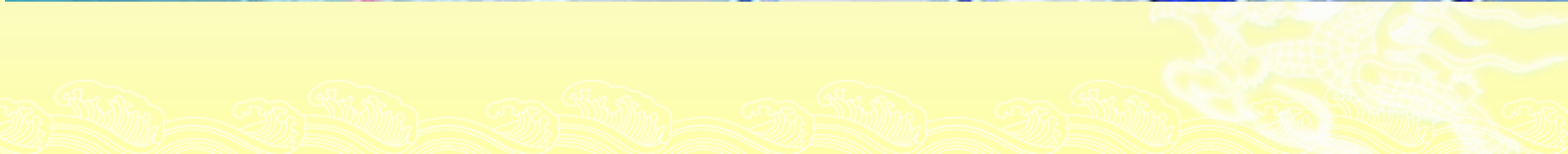
۷- وفور نعمت:

قطعاً هر زمامداری به اسلام و قرآن عمل نماید، و عدالت را در جامعه فراگیر سازد، و جلو مفسدان را بگیرد، رحمت الهی نیز دست آن‌ها را خواهد گرفت، به هر اندازه مسائل فوق مراعات شوند، امدادها و رحمت الهی نیز فراگیرتر خواهد بود، این امر در زمان عدالت گستر هستی به اوج خود می‌رسد، لذا زمین تمام نعمت‌های خویش را در اختیار او قرار می‌دهد، در نهج البلاغه در این باره می‌خوانیم: «و تَخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا وَ تُنْقَى إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا (خطبه ۱۰۰)؛ زمین جگر گوشه (و میوه‌ها و گنج‌های) خود را برای او بیرون می‌ریزد، و کلیدهای (معادن) خود را به او می‌سپارد.»

امام علی (ع) در جای دیگر فرمود: «فَكَانَكُمْ قَدْ تَكَامَلْتُمْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ (خطبه ۱۰۰)؛ (در پرتو خاندان پیامبر و مهدی آل محمد) نعمت‌های خدا بر شما تمام خواهد شد.»

۸ - برآورده شدن آرزوها:

سال‌ها است که بشر در آرزوی تحقق عدالت جهانی، امنیت فراگیر، آزادی واقعی و... به سر می‌برد، و هنوز که هنوز است آرزوی‌های بشر به صورت کامل و تمام به حقیقت نپیوسته و جامه عمل به خود نپوشیده است، تنها دورانی که اصلی‌ترین و اصولی‌ترین آرزوهای بشر تحقق عینی خواهد یافت دوران ظهور مهدی موعود (عج) است، چنان که مولا علی (ع) فرمود: «و اراکم ما کنتم تأملون (خطبه ۱۰۰)؛ و (حضرت مهدی در دوران حکومتش) نشان می‌دهد آنچه را آرزو داشتید (و به آرزوهای خود خواهید رسید).»



حاکمیت دینی در عصر غیبت



ولایت فقیه

- ◆ واژه **ولایت** در معانی حب و دوستی، نصرت و یاری، متابعت و پیروی، سلطنت و چیرگی، رهبری و سرپرستی به کار رفته است.
- ◆ هنگامی که واژه ولایت، درباره فقیه به کار می رود، به معنای زمامداری و سرپرستی است.
- ◆ اقسام ولایت از معنی سرپرستی و زمامداری:
- ◆ ۱- **ولایت تکوینی**: سرپرستی موجودات جهان و عالم خارج و تصرف عینی در آنها؛ مانند ولایت نفس بر قوای درونی خودش.
- ◆ ۲- **ولایت بر تشریح**: ولایت بر قانونگذاری احکام دین است؛ یعنی اینکه کسی حق جعل اصول و احکام شرعی را داشته باشد.
- ◆ ۳- **ولایت بر مردم**

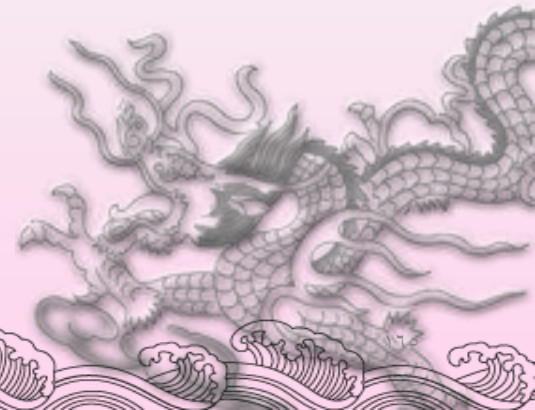


♦ ولایت بر مردم

♦ ولایت و سرپرستی امور در محدوده و چارچوب قانون الهی. که در لسان آیات و روایات و همچنین در عرف فقیهان در دو مورد به کار رفته است.

♦ **ولایت بر محجوران:** در جامعه کسانی هستند که بر اثر ناتوانی علمی یا عدم حضور، قادر به اداره امور خود نبوده و نیازمند سرپرستی دیگران هستند.

♦ **ولایت بر خردمندان:** تصدی بر امور جامعه اسلامی و حق تصرف در مسایل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و خلاصه همه مسائل اجتماعی است.



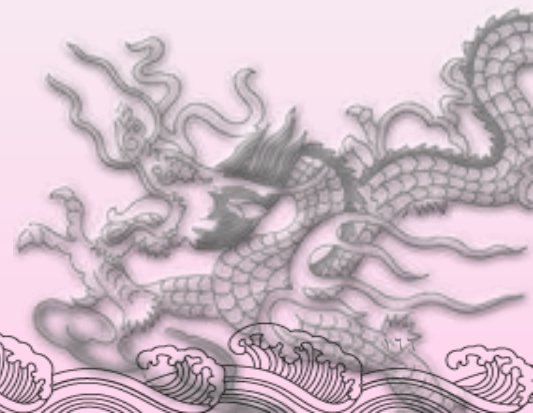
◆ مقصود از **فقیه**، در بحث ولایت فقیه، مجتهد جامع الشرایط است.

◆ فقیه دارای سه ویژگی است:

◆ ۱- اجتهاد مطلق

◆ ۲- عدالت مطلق

◆ ۳- قدرت مدیریت و رهبری



چه آیاتی از قرآن درباره ولایت مطلقه فقیه است تا بتوان بر اساس آنها این موضوع را اثبات کرد؟

گاهی گمان میشود تنها مدرک اسلامی بودن یک مسأله، این است که: در قرآن کریم مطرح شود و چگونگی طرح آن کاملاً شفاف، روشن و بی نیاز از ژرفنگری و تأملات اجتهادی باشد. در حالی که:

- ♦ یکم. عقل و سنت نیز هر یک منبع و مدرک معتبری در اسلام است و آموزه های اسلامی را میتوان و بلکه باید از مجموع هر سه منبع (قرآن، سنت و عقل) شناخت.
- ♦ دوم. طرح مسائل در قرآن، گونه های مختلفی دارد و در بسیاری از موارد استنباط یک مسأله از قرآن مجید، بدون آشنایی با متدلوژی فهم دین و فرایند استنباط امکانپذیر نیست. در عین حال یکی از ساده ترین روشها برای اثبات ولایت فقیه از طریق قرآن، مراجعه به شرایط حاکم در قرآن است که پس از معصومین تنها بر ولی فقیه صدق میکند.



شرایط حاکم جامعه:

۱. اسلام و ایمان

خداوند میفرماید:

(لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)؛ نساء / ۱۴۱.

«خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان سلطه نمیدهد»

(لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ)؛ آل عمران / ۲۸.

«مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دوست و ولی خود بگیرند و هر کس چنین کند از لطف و ولایت خدا بی بهره است».

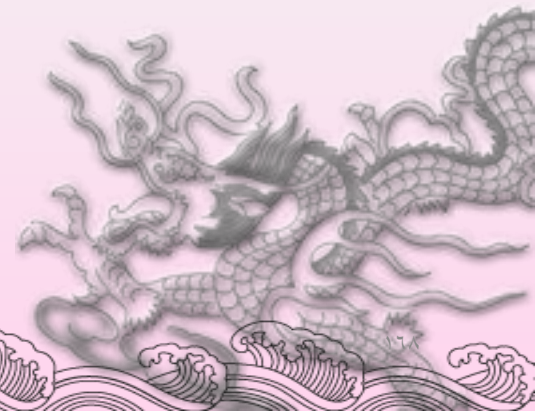
۲. عدالت (در مقابل ظلم)

خداوند حکومت و ولایت ظالمان را نمیپذیرد؛ پس حاکم و ولی باید عادل باشد:

(وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ)؛ هود / ۱۱۳. «به ستم پیشگان گرایش نیابید که آتش دوزخ به شما خواهد رسید».

همچنین خداوند در شرایط امامت به حضرت ابراهیم فرمود:

(لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)؛ بقره / ۱۲۴. «عهد من به ستمکاران نمیرسد».



۳. فقاہت

حاکم اسلامی باید عالم به احکام اسلام باشد تا بتواند آنها را اجرا کند. در زمان پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) این علم از سوی خداوند به آنان داده شده است و در زمان غیبت امام معصوم (ع)، داناترین مردم به احکام؛ یعنی، فقها حاملان این علم اند. قرآن درباره شرط علم میفرماید:

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾؛ یونس / ۳۵.

«آیا کسی که به راه حق هدایت میکند، سزاوارتر است که از او پیروی شود یا کسی که راه نمییابد؛ مگر آنکه راه برده شود؛ شما را چه میشود؟ چگونه داوری میکنید؟»

فقیه با تخصصی که سالها در تحصیل آن کوشش کرده، میتواند احکام اسلام را از قرآن، سنت، عقل و اجماع به دست آورد؛ اما غیر فقیه این تخصص را ندارد و باید احکام اسلام را از فقیه بیاموزد.



۴. کفایت

توانایی و شایستگی اداره امور جامعه که از آن به مدیر و مدبر بودن نیز تعبیر میشود.
حضرت یوسف فرمود:

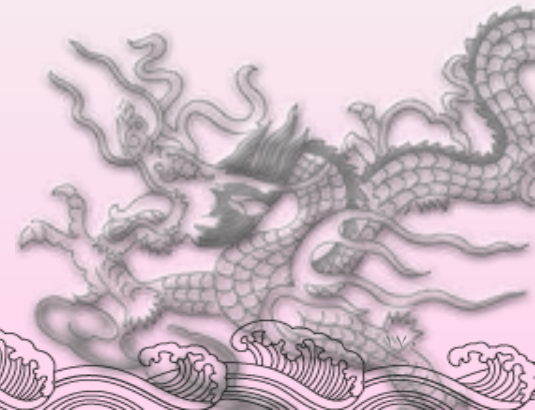
﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾؛ یوسف / ۵۵.

«گفت: مرا بر خزاین این سرزمین بگمار که من نگهدارنده امین و کاردانم».

در داستان حضرت موسی و دختر شعیب نیز آمده است:

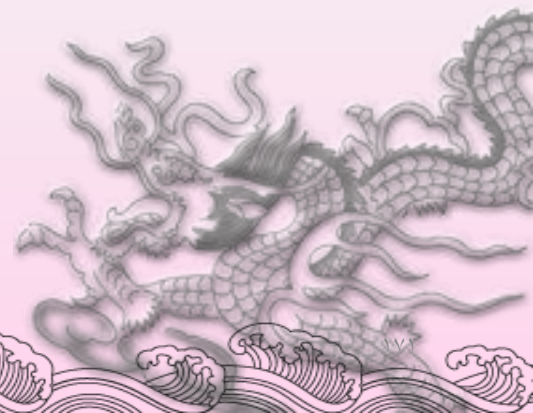
﴿...إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾؛ قصص / ۲۶

«بهترین کسی که میتوانی به [کارگیری او است که] توانای درستکار است»



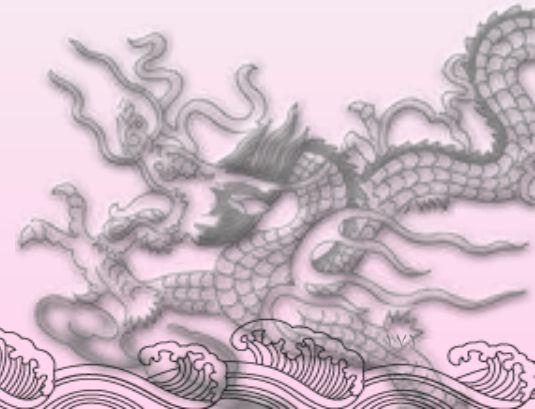
❖ امیر المؤمنین (ع)، علی نیز می فرماید:

❖ ((سزاوارترین مردم به امر خلافت، تواناترین آنان به انجام آن و داناترین آنان به دستورات خداوند در امور مربوط به خلافت و حکومت است.))



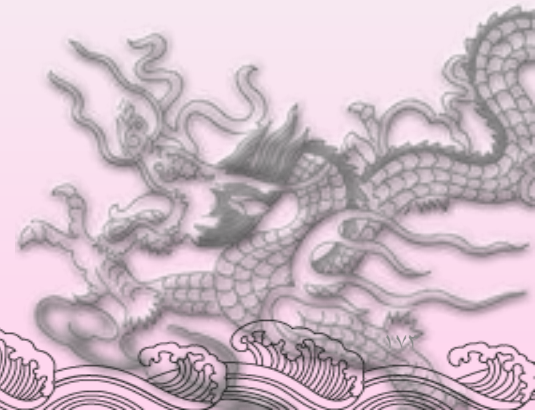
حاصل سخن:

- ♦ از مجموع این آیات، میتوان تصویری کلی از سیمای حاکم از دیدگاه قرآن به دست آورد. در منطق قرآن حکومت و زمامداری، تنها شایسته کسانی است که از صلاحیتهای علمی و اخلاقی و توانمندیهای لازم برخوردار باشند. به دست آوردن این تصویر در زمان غیبت امام معصوم (ع) بر «ولایت فقیه» تطبیق میکند.
- ♦ از طرف دیگر حکومت اسلامی حکومت قانون خداست:
- ♦ **(مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ)؛** مائده / ۴۴.
- ♦ و آن بدون حاکمیت دینشناس و متخصص مستعد در اجرای احکام الهی (فقیه عادل و جامع شرایط) امکان پذیر نیست.



اشکال.

- ◆ غیر فقیه میتواند احکام اسلام را به صورت فتوا از فقیه بگیرد و حکومت کند، پس لازم نیست حاکم خودش فقیه باشد.
- ◆ پاسخ.
- ◆ یکم. آگاهی های لازم از اسلام برای حکومت، اختصاص به فتوا ندارد تا گفته شود: غیر فقیه از فقیه تقلید میکند؛ بلکه در بسیاری از موارد، فقیه باید با توجه به ملاکهای ترجیح در تراحم احکام و یا تشخیص موارد مصلحت، حکم حکومتی صادر کند. «حکم حکومتی» خارج از دایره فتوا و تقلید است؛ در عین آنکه مسأله ای تخصصی و در حوزه تخصص فقیه است.
- ◆ دوّم. آیا غیر فقیه اطاعت از فقیه را در همه موارد بر خود لازم میداند؟ یا فقط در مواردی که خود تشخیص میدهد، از فقیه اطاعت میکند؟ در صورت دوم هیچ ضمانتی بر اجرای احکام الهی و دینی بودن حکومت وجود ندارد. در صورت اول، در واقع آن فقیه ولایت دارد و شخصی که به طور مستقیم امور اجرایی را به عهده دارد، مجری از سوی او به شمار میآید و این یکی از شیوه های اجرا و اعمال ولایت فقیه است.



اشکال

در آیه اطاعت از (مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ) سزاوارتر از (مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى) معرفی شده است؛ یعنی، اطاعت از فقیه را سزاوارتر از اطاعت غیر فقیه میدانند. بنابراین اطاعت غیر فقیه نیز با وجود فقیه مقبول است؛ گرچه اطاعت از فقیه بهتر است!

پاسخ

مانند این سخن را ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج ۹، ص ۳۲۸ در مقایسه بین امام علی (ع) و خلفای پیش از او میگوید؛ یعنی، او اطاعت از امیرالمؤمنین (ع) را بهتر از ولایت دیگران میانگارد؛ نه لازم و واجب!

سزاوارتر بودن در آیه، سزاواری در حد الزام است؛ یعنی، فقط باید از او پیروی کرد؛ زیرا در ذیل آیه مردم را توبیخ میکند که چرا از (مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ) پیروی نمیکنید: (فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ)؟ بنابراین سزاواری در حد الزام است. مشابه این مسأله در موارد دیگری نیز در قرآن وجود دارد؛ مثلاً در آیه (وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ)؛ احزاب (۳۳)، آیه ۶ که در بحث ارث است و وجود هر طبقه مانع از ارث طبقه دوم میشود. آیات بی شمار دیگری نیز وجود دارد که فضیلت عالمان را بر غیر عالمان بیان کرده است. زمر (۳۹)، آیه ۹.

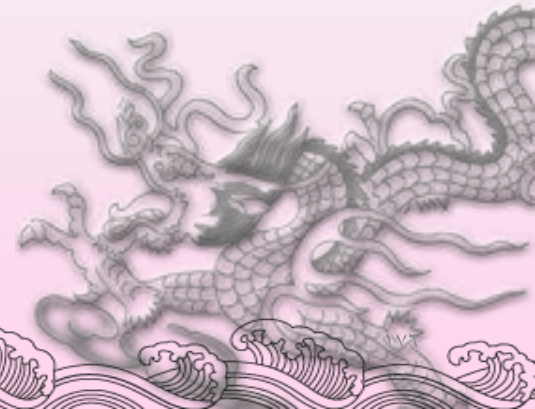
از نظر عقل نیز با وجود شایسته تر، نباید به فروتر تن داد؛ به ویژه در امر رهبری که تعیین سرنوشت جامعه در گرو آن است.

◆ برای اثبات مشروعیت ولایت فقیه، افزون بر دلایل عقلی، به احادیث فراوانی استناد شده است. که به روشنی مبین انتصاب فقیهان و دین شناسان در دوران غیبت برای زمامداری و رهبری امت اسلامی است.

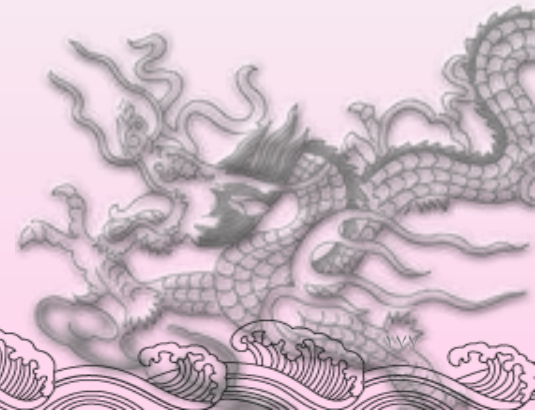


دلایل نقلی بر ولایت فقیه

- ♦ پیامبر اکرم فرمودند: ((خدایا جانشیان مرا مورد رحمت خویش قرار ده)) از آن حضرت پرسیدند که جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: ((آنان که پس از من می آیند و حدیث و سنت مرا روایت می کنند.))
- ♦ منظور از راویان حدیث، ناقلان حدیث نیست و معنای عمیق تری دارد.
- ♦ امام صادق (ع) در پاسخ این پرسش که آیا در مسائل اختلافی که نیازمند داور و قضاوت است، می توان به سلطان (حاکم غیر دینی) و قضاوت منصوب از سوی او رجوع کرد، مراجعه به آنان را، رجوع به طاغوت دانسته و به شدت منع کرده و عالمان دینی را به عنوان حاکم بر جامعه اسلامی معرفی می کند.

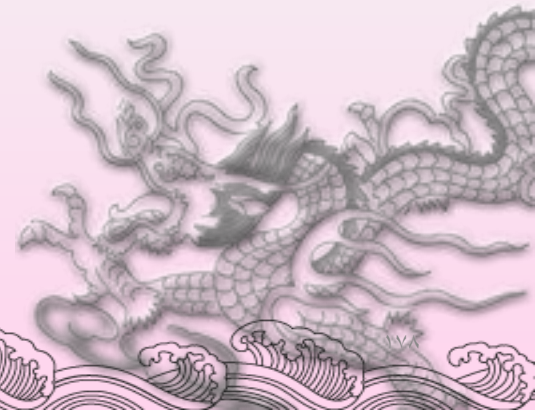


- ◆ امام زمان (عج) در پاسخ به نامه یکی از یاران خود، درباره وظیفه شیعیان در رویدادها و حوادثی که پیش می آید، می فرماید:
- ◆ ((در رویدادهایی که پیش می آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند، و من حجت خدا بر آنانم.))



◆ در حدیث امام عسکری (ع) گفته شده است:

" و اما من كان من الفقهاء، صائنا لنفسه، حافظه لدينه، مخالفا
لهواه، مطيعا لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه، و ذلك لا يكون
الا بعض فقهاء الشيعة لا جميعهم"



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَمَلِكُمْ بِجَمِّ

خدا یا... .

